

موعود و اديان

مؤلف:

محمد نويد رحمتي زاده ذاقلي



موعود و اديان

محمدنويد رحمتي زاده ذاقلي

شهریور ۱۴۰۳

نام کتاب: موعود و ادیان

مؤلف: محمدنوید رحمتی زاده ذاقلی

تعداد صفحه و قطع: ۸۵ صفحه - وزیری

موضوع: منجی گرایی، موعودگرایی، دینی، مذهبی

ویراستاری، صفحه آرایی و طراحی جلد: محمدنوید رحمتی زاده ذاقلی

نوبت انتشار: اول - شهریور ۱۴۰۳

قیمت: رایگان

آدرس الکترونیک: mohammadnavidrahmatizadeh@gmail.com

فایل این کتاب به صورت رایگان منتشر شده و در دسترس عموم قرار گرفته است.
استفاده از مطالب کتاب با ذکر منبع بلامانع می باشد.

تقديم به

محضر شريف حضرت ولي عصر (عج)



تقدیر و تشکر از

پدرم و مادرم

و استادان و معلمان که از آن‌ها چگونه نوشتن را یاد گرفتم...

فهرست مطالب

فصل اول: موعود در زرتشت	۵
۱ - ۱ مقدمه	۷
۱ - ۲ سال کیهانی	۷
۱ - ۳ سوشیانت و سه پسر زرتشت	۸
۱ - ۴ نشانه های آخرالزمان	۱۰
۱ - ۵ جهان پس از ظهور منجیان	۱۲
الف) در زمان هوشیدر	۱۲
ب) در زمان هوشیدر ماه	۱۳
ج) در زمان سوشیانس	۱۳
۱ - ۶ بررسی روند تکاملی مفهوم سوشیانت	۱۴
۱ - ۷ فره ایزدی و ارتباط آن با موعود	۱۴
۱ - ۸ فرَشگرد در دین زرتشت	۱۵
فصل دوم: موعود در یهودیت	۱۷
۲ - ۱ مقدمه	۱۹

۲ - ۲	جایگاه گئولا در آیین یهود	۱۹
۳ - ۲	شرایط تسریع بخش در وقوع گئولا	۲۱
الف	تشووا (توبه)	۲۱
ب	اتحاد و همدلی بین اعضای جامعه	۲۲
ج	احسان و نیکوکاری	۲۳
۴ - ۲	بررسی رخدادهای پیش از گئولا	۲۴
۵ - ۲	عیقووت ماشیح و آزمایش ایمان بندگان	۲۴
۶ - ۲	بررسی رخدادهای پس از گئولا	۲۵
الف	برقراری صلح پایدار و جهان شمول	۲۵
ب	فراگیر شدن ایمان به خداوند و شناخت او	۲۶
ج	زنده شدن مردگان	۲۶
۷ - ۲	هویت ماشیح	۲۷
۸ - ۲	ماشیح و عصر اتویایی	۲۸
۹ - ۲	خصوصیات دوران ماشیح	۲۸
۱۰ - ۲	ماشیح در نماز یهودیان	۲۹
۱۱ - ۲	ماشیح در عهد عتیق	۲۹
۱۲ - ۲	بررسی روایات از کتب عهد عتیق	۳۰
الف	تورات	۳۰
ب	صحیفه دانیال نبی	۳۰

ج) کتاب حکى نبى	۳۱
د) کتاب صفىای نبى	۳۱
ه) کتاب اشیاء نبى	۳۲
و) کتاب زکریای نبى	۳۲
ز) کتاب حزقیال نبى	۳۲
۲ - ۱۳ موعود آخرالزمان در زبور داوود (ع)	۳۳
فصل سوم: موعود در مسیحیت	۳۵
۳ - ۱ مقدمه	۳۷
۳ - ۲ بشارت‌های ظهور موعود آخرالزمان	۳۷
۳ - ۳ بشارت ظهور در انجیل متی	۳۷
۳ - ۴ بشارت ظهور در انجیل لوقا	۴۰
۳ - ۵ بشارت ظهور در مکاشفه یوحناى رسول	۴۰
۳ - ۶ اندیشه‌ی بازگشت مسیح در میان مسیحیان	۴۲
۳ - ۷ اهمیت بازگشت مسیح در کتاب مقدس	۴۳
۳ - ۸ مراحل رجعت و ظهور مسیح	۴۴
الف) بازگشت اولیه‌ی مسیح	۴۴
ب) دوران مصیبت عظیم	۴۵
ج) بازگشت ثانویه‌ی مسیح و سلطنت هزارساله او بر زمین	۴۵
۳ - ۹ رجعت مسیح، اهداف و عملکرد	۴۶

الف) ظاهر ساختن شکوه و جلال خود	۴۶
ب) استقرار حکومت جدید	۴۶
ج) داوری امت‌ها	۴۶
د) برکت دادن به زمین با گسترش عدالت	۴۷
۳- ۱۰ داوری نهایی و پایان جهان	۴۷
۳- ۱۱ پایان دوران	۴۷
فصل چهارم: موعود در اسلام	۴۹
۴- ۱ مقدمه	۵۱
۴- ۲ مهدویت در دیدگاه اهل سنت	۵۱
۴- ۳ مهدویت در دیدگاه شیعه	۵۳
۴- ۴ غیبت امام مهدی (عج)	۵۴
۴- ۵ امامت حضرت مهدی (عج) در عصر غیبت	۵۵
۴- ۶ ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) و علت غیبت	۵۶
۴- ۷ آیات مرتبط با عصر مهدوی	۵۷
۴- ۸ ویژگی‌ها و اهداف جامعه مهدوی	۵۸
الف) گسترش عدالت	۵۸
ب) امنیت کامل	۵۹
ج) شکوفایی عقل و علم	۵۹
د) فراهم شدن زمینه رشد و کمال	۵۹

۵۹	 ۴ - ۹ انتظار فرج و اهمیت آن
۶۰	 ۴ - ۱۰ مؤلفه‌های انتظار
۶۰	 الف) قانع نبودن به وضع موجود
۶۱	 ب) امید دستیابی به وضعیت مطلوب
۶۱	 ج) یقین به ظهور امام غایب
۶۱	 ۴ - ۱۱ انواع انتظار
۶۱	 الف) انتظار ویرانگر و تفکر شبه دیالکتیکی
۶۲	 ب) انتظار سازنده
۶۳	 ۴ - ۱۲ وظایف منتظران
۶۳	 الف) معرفت نسبت به حضرت مهدی (عج)
۶۳	 ب) تهذیب نفس و اصلاح فردی
۶۴	 ج) تمسک به ریسمان ولایت اهل بیت (ع)
۶۴	 د) اصلاح اجتماعی
۶۵	 ه) اجرای احکام و برنامه‌های اسلام
۶۵	 و) تحصیل دانش و تقویت توان دفاعی
۶۶	 ۴ - ۱۳ آثار انتظار
۶۶	 ۴ - ۱۴ وحدت و همگرایی منتظران
۶۷	 ۴ - ۱۵ انتظار و معناداری زندگی شیعیان
۶۷	 ۴ - ۱۶ ارتباط میان هدایت الهی و انتظار

- ۴ - ۱۷ انتظار در اسلام و دیگر ادیان ۶۸
- ۴ - ۱۸ تجلی حق، جوهره اصلی مهدویت ۶۸
- ۴ - ۱۹ عصر مهدوی، دوران شناخت حقایق و معارف ۶۹
- ۴ - ۲۰ آینده جهان و ارتباط آن با حکمت الهی ۷۰
- ۴ - ۲۱ حضرت مهدی (عج) و هدایت باطنی ۷۱
- ۴ - ۲۲ یاران حضرت مهدی (عج) ۷۲
- الف) یاران خاص آن حضرت ۷۲
- ب) یاران مطلق آن حضرت ۷۳
- ۴ - ۲۳ ویژگی‌های یاران امام مهدی (عج) ۷۳
- ۴ - ۲۴ نقش ایرانیان در ظهور حضرت مهدی (عج) ۷۴
- ۴ - ۲۵ میراث پیامبران در نزد حضرت مهدی (عج) ۷۵
- ۴ - ۲۶ نشانه‌های پیامبران پیشین نزد حضرت مهدی (عج) ۷۵
- ۴ - ۲۷ نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) ۷۶
- ۴ - ۲۸ بررسی نشانه‌های حتمی ظهور ۷۶
- الف) خروج سفیانی ۷۷
- ب) صیحه آسمانی ۷۹
- ج) قیام یمانی ۸۰
- د) خسف پیداء ۸۱
- ه) شهادت نفس زکیه ۸۱

۴ - ۲۹ بررسی نشانه‌های غیر حتمی ظهور ۸۲

الف) سید حسنی ۸۲

ب) قیام خراسانی و شعیب بن صالح ۸۳

ج) خروج دجال ۸۴

د) سایر نشانه‌های غیر حتمی ظهور ۸۵

منابع و مراجع ۸۶



به بلندای تاریخ بشری، همواره در دین‌ها و مکاتب گوناگون جهان آموزه‌های منجی‌گرایانه وجود داشته است. اعتقاد به وجود مصلح جهانی امری فطری می‌باشد که بشر آن را با مراجعه به درون خویش می‌یابد، از طرفی بر طبق باور شیعه، حضرت مهدی موعود(عج) در زمان ظلم و ستم قیام می‌کند تا بار دیگر آیین و سنت از دست رفته خداوند را در جهان هستی برپا کند.

اعتقاد به منجی و وجود آموزه‌های منجی‌گرایانه فقط مختص به مکتب شیعه نبوده و در ادیان دیگر نیز یافت می‌شود. این اعتقادات اغلب تشابهاتی با بحث منجی‌گری در مکتب شیعه داشته و در بعضی موارد نیز کاملاً متفاوت است؛ با این حال تمامی ادیان بر اصل وجود منجی اعتقاد دارند. کتاب فوق در چهار فصل تألیف شده است؛ در فصل اول کتاب به مفهوم منجی در آیین زرتشت پرداخته شده است. فصل دوم حول محور «ماشیح» و موعودگرایی در آیین یهود شکل می‌گیرد. در فصل سوم کتاب به بررسی منجی در دین مسیحیت پرداخته شده و کتاب در فصل چهارم با موضوع منجی در دین اسلام به پایان می‌رسد.

امید است کتاب پیش‌رو برای علاقه‌مندان به این مبحث ثمربخش باشد.

با تقدیم احترام – رحمتی زاده





۱ - ۱ مقدمه

بحث موعود در آیین زرتشت یک تفاوت اساسی و بنیادین با دیگر آیین‌ها دارد، بر خلاف پیروان دیگر ادیان که انتظار موعود را می‌کشند، در دین زرتشت سه پسر به نام عمومی سوشیانت موعودان نجات‌بخشی هستند که هر یک به ترتیب در سر هر هزاره ای ظهور می‌کنند تا اوضاع نابسامان جهان و مردمان را بهبود ببخشند.

۱ - ۲ سال کیهانی

پیش از پرداختن به موضوع سه موعود در آیین زرتشت باید مروری کوتاه به ادوار جهانی یا سال کیهانی بپردازیم، زیرا متون زرتشتی که دربردارنده روایات در مورد موعودان می‌باشد در این قالب و ساختار بیان شده است. هرچند متون زرتشتی درباره اینکه سال کیهانی از چند هزاره تشکیل شده اختلاف نظر دارند. عده ای آن را «نه هزار سال» و برخی دیگر آن را به مناسبت دوازده برج سال و دوازده منطقه دایره البروج «دوازده هزار سال» می‌دانند. بنابر فصل اول بندهش یک سال کیهانی یا یک دوره جهان دوازده هزار سال است که خود نیز به چهار دوره یا عهد سه هزار ساله تقسیم می‌شود.

بر طبق تقسیم‌بندی دوره جهانی، در سه هزاره اول، اهورمزدا عالم فروهر یا روحانی را آفرید که عصر مینوی جهان بوده است. در سه هزاره دوم از روی صور عالم روحانی عالم جسمانی را خلق کرد. از این دوره به عنوان دوره طلایی یاد می‌شود زیرا که زندگی مردمان و امور جهان فارغ از گزند و آسیب بود. سه هزاره سوم دوران شهریارانی و تسلط و طغیان اهریمنان می‌باشد و در نهایت زرتشت در آغاز سه هزاره چهارم زاده می‌شود.

۱- ۳ سوشیانت و سه پسر زرتشت

به موجب روایات زرتشتی، در آخرالزمان از زرتشت سه پسر متولد می‌شوند که نام آنها سوشیانس می‌باشد. این نام عمومی، مختص به آخرین موعود نیز می‌باشد و او آخرین مخلوق اهورامزدا خواهد بود.

کلمه‌ی سوشیانس از ریشه «سو» گرفته شده و به معنای سودمند است. این کلمه در اوستا به صورت «سیوشیانت» و در پهلوی به شکل‌های مختلفی همچون سوشیانت، سوشیانس، سوشانس، سوشیوس یا سیوشوس آمده است. در فروردین یشت، بند ۱۲۹ معنای سوشیانت چنین ذکر شده است:

او را از این جهت سوشیانس خوانند، برای آنکه او به کل جهان مادی سود خواهد بخشید.^۱

در گاتاها این کلمه چندین بار برای شخص زرتشت به کار رفته و پیامبر خود را سوشیانت خوانده، یعنی کسی که از وجودش سود و نفع برمی‌خیزد و سودرساننده است. همچنین چند بار دیگر در سرودها این واژه به صورت جمع آمده و زرتشت خود و یارانش را سودرساننده معرفی کرده است. در سایر قسمت‌های اوستا نیز این کلمه در وصف جانشینان و پیشوایان زرتشت و کسانی به کار رفته که در تبلیغ دین کوشا هستند. در بخشی از یسنا آمده است:

همه فروهرهای نیک توانای مقدس پاکان را می‌ستایم، از آن (فروهر) کیومرث تا سوشیانت پیروزگر.^۲

در یسنا از سوشیانس‌ها به عنوان مردان نوکننده جهان و کسانی که هنوز متولد نشده‌اند

^۱ یشت‌ها، گزارش استاد پور داوود، ج ۲، ص ۱۰۱

^۲ یسنا، ۱: ۲۲۹

یاد می‌شود، در فروردین یشت، کرده ۱ فقره ۷ آمده است:

ای سپستان، فروهرهای نخستین آموزگاران دین و فروهرهای مردانی که هنوز متولد نشده‌اند و در آینده سوشیانس‌های نوکننده جهان خواهند بود، از فروهرهای سایر مردمان قوی‌تر هستند.^۱

عمده مطالب در مورد سوشیانس‌ها در یشت‌های سیزدهم و نوزدهم آمده است. در یشت ۱۹، بند ۹۴ به بعد، درباره ظهور سوشیانس در آخرالزمان و نو شدن گیتی چنین آمده است:

او (استوت ارته = سوشیانس) با دیدگان خرد بنگرد. به همه آفریدگان او نگاه خواهد کرد؛ آنچه زشت نژاد است، او با دیدگان بخشایش سراسر جهان مادی را خواهد نگریست و نظرش سراسر جهان را فناپذیر خواهد ساخت. یاران او پیروزمند به در خواهند آمد. نیک پندار، نیک گفتار، نیک کردار و نیک دینند و هرگز سخن دروغ به زبان نیاورند. در مقابل آنان خشم خونین سلاح بی‌فر رو به گریز نهد. راستی به دروغ زشت تیره بدنژاد غلبه کند. منش بد شکست خواهد یافت. منش خوب به آن چیره خواهد شد. خرداد و امرداد هر دو را شکست دهند؛ گرسنگی و تشنگی را. خرداد و امرداد گرسنگی و تشنگی زشت را شکست دهند. اهریمن ناتوان بدکنش رو به گریز خواهد نهاد.^۲

بر اساس روایات پهلوی، نطفه زرتشت در دریاچه هامون قرار دارد. در آخرین هزاره از عمر جهان (هزاره دوازدهم) سه دوشیزه از این نطفه بارور می‌شوند و سه موعود مزدیسنان را می‌زایند. همچنین در بند ۱۲۸ یشت سیزدهم از نه پارسا که شش تن از آنها یاران سوشیانس و سه تن دیگر موعودهای آینده‌اند یاد شده است.

هنگامی که سوشیانت در آخرالزمان ظهور کند قیامت مردگان به مدت ۵۷ سال طول خواهد

^۱ رساله سوشیانس، ص ۱۲ - ۱۳

^۲ یشت‌ها، ج ۲، ص ۳۴۸ - ۳۵۱

کشید در این مدت، سوشیانس در کشور مرکزی یعنی خونیرس، فرمان‌روا خواهد بود و شش تن از یارانش در شش کشور دیگر. اینان در طی مدت فرمان‌روایی‌شان همواره در حال اطاعت از سوشیانس و مجری فرمان‌های وی خواهند بود.

سه پسر آینده زرتشت یا همان موعودهای نجات بخشی که هر یک به فاصله هزار سال از هم دیگر ظهور خواهند کرد عبارتند از:

۱. اوخشیت ارته یعنی پروراننده قانون مقدس (نیرودهنده و رواکننده قانون دین و داد زرتشت). امروزه این نام را اوشیدر یا هوشیدر گویند.
 ۲. اوخشیت نمه یعنی پروراننده نماز و نیایش. امروزه آن را اوشیدر ماه یا هوشیدر ماه گویند.
 ۳. استوت ارته یعنی کسی که مظهر و پیکر قانون مقدس است.
- سه پسر آینده زرتشت که موعودهای نجات بخش هستند به ترتیب: هوشیدر در آغاز هزاره یازدهم، هوشیدر ماه در آغاز هزاره دوازدهم و سوشیانس در پایان هزاره دوازدهم ظهور می‌کنند. ایشان می‌آیند تا ادامه دهنده راه زرتشت، و پالاینده جهان از فساد و تباهی و برپاکننده رستاخیز مردگان باشند. این سه موعود به عنوان سه نقطه عطف دین زرتشتی محسوب می‌شوند، آنها بر طبق خیر و نیکی رفتار کرده و در عمل آن را تعلیم می‌دهند، ایشان حق نماز و تحیات به آستان اهورا مزدا را به جای می‌آورند و بر ضد اهریمن قیام نموده، او را در هم می‌شکنند و مردم را به راه راست آورده و دین را می‌گسترانند.^۱

۱ - ۴ نشانه‌های آخرالزمان

از روایات زرتشتی نتیجه‌گیری می‌شود که یکی از نشانه‌های آخرالزمان تغییر اساسی در ساختار کره‌ی زمین و طبیعت است. برای پاک شدن زمین از اهریمن‌ها و آماده شدن جهان هستی برای انقلاب نهایی به وسیله منجی موعود به گاه رستاخیز و ظهور سوشیانس،

^۱ دینکرد، فصل ۷، فقرات ۴، ۵، ۷

آتش سوزی‌های گسترده‌ای زمین را فرا می‌گیرد به طوری که بسیاری از چشمه‌های آتش همانند چشمه‌های آب از زمین می‌جوشد.

در آن هنگام نشان رستاخیز آشکار باشد و سپهر بجنبد، سیر خورشید و ماه و ستارگان تغییر کند و در فضا یکی شوند مانند سپهرگردان و چهره دریاها و همه ساکنان زمین تغییر کند. در زمین بسیار جای‌ها چشمه‌های آتش مانند چشمه‌های آب بیرون آیند.^۱

از دیگر نشانه‌های رستاخیز دگرگونی کیهانی همانند تغییر مسیر خورشید ماه و ستارگان است. در زند و هومن یسن آمده، به هنگام ظهور هر یک از منجیان زرتشتی خورشید برای چند شبانه روز در آسمان می‌ایستد که این رقم برای آخرین موعود سی شبانه روز است. جاماسب نامه توقف خورشید در آسمان از معجزات هوشیدر دانسته که با وقوع آن، مردمان جهان به دین حق ملحق می‌شوند.

جماعتی از او (هوشیدر) معجزه خواهند و او دعا کند و آفتاب ده روز در میان آسمان بایستد... چون مردمان جهان آن معجزه ببینند در دین حق بی‌گمان شوند.^۲

علاوه بر ایستادن خورشید در آسمان، تغییرات دیگری نیز رخ می‌دهد که خود باعث دگرگونی‌های اساسی در نظام طبیعت است، مانند:

۱. رنگ باختن خورشید و ماه

۲. کوتاه شدن سال و ماه و روز

۳. بروز زمین لرزه‌های شدید و باران‌های نابه‌هنگام

^۱ محمد تقی راشد محصل، گزیده‌های زادسپرم، ۵۰:۳۴ - ۴۶

^۲ جاماسبی، جاماسب نامه فارسی، به کوشش مدن ص ۸۹

... و زمین لرزه بسیار باشد و باد سخت تر باشد و به جهان نیاز و تنگی و دشواری بیشتر
پدید آید...^۱

در آن هنگام بادهای سرد و گرم فراوان می‌وزند و نظم فصول سال به هم می‌خورد، ابرهای
بی باران بر فراز آسمان ظاهر می‌شود. ستارگان گنگار (سیارات هفتگانه) از بند رها می‌شوند
و آشوب و ویرانی جهان را فرا می‌گیرد.

... نشان های آسمان پدیدار آید، یعنی ستارگان گناه کار از بند رسته شوند.^۲

زمین دچار انواع بلاها و بیماری‌ها و حوادثی است که وقوع آنها سبب تباهی زندگی انسان
ها و موجودات است، کسی حرمت نان و نمک نگه ندارد و مردم به یکدیگر مهر و محبت
کمتر دارند.
در آن زمان کشتن مرغی و انسان نیک برابر شود. کار نیک توسط مردمان کمتر انجام می‌شود.
بی خردان به بزرگی و پادشاهی رسند و بزرگان به بی‌نوایی. در آن هنگامه از هر هزار یا ده
هزار تن، یک نفر به دین گردد و آن یک نیز بدان عمل نکند.

۱ - ۵ جهان پس از ظهور منجیان

الف) در زمان هوشیدر

در روایات ذکر شده که هوشیدر پس از تولد همان وظایفی را به عمل می‌آورد که پیش از او
به زرتشت محول شده بود، وی پاکسازی دین را به عهده می‌گیرد، آفرینش هرمزد را
می‌گستراند، جهان را از زشتی‌ها پاک می‌کند و بدفعان را نابود می‌سازد، در هزاره او آشتی و
مهرورزی به جای دشمنی رواج می‌یابد و خشکی و تنگی از جهان کم می‌شود. انسان‌ها در

^۱ صادق هدایت، زندوهمن یسن، ۴:۶ و نیز ۱۶:۴ و ۶۴؛ جاماسپی، ۱۲:۱۶ - ۱۳

^۲ جاماسپی، ص ۸۸

فصل اول: موعود در زرتشت

پرتو مهر او در کمال ایمنی و آسایش زندگی می‌کنند و کارهای نیک افزایش می‌یابد. در دوران هوشیدر وقایع شگفت‌انگیزی رخ می‌دهد که عبارت است از: ایستادن خورشید به مدت ده شبانه‌روز در اوج آسمان، خشک نشدن گیاهانی که به کار نیایند به مدت سه سال، به هلاکت رسیدن درندگان و جانوران وحشی و نابود شدن انواع گرگ.

ب) در زمان هوشیدر ماه

اتفاقات عمده زمان او عبارتند از: ایستادن خورشید به مدت بیست شبانه‌روز در میان آسمان، سرسبزی شش ساله گیاهان، افزایش شیر گوسفندان و چهارپایان، پیری و خشم و کین و شهوت کاستی می‌پذیرد و آشتی و دوستی افزایش می‌یابد.

ج) در زمان سوشیانس

همانطور که گفته شد وی آخرین نجات‌بخشی است که به زمین می‌آید تا جهان را از آلودگی‌ها پاک کند. سوشیانس همانند خورشید نورانی است که فره کیانی با اوست. با شش چشم به هر طرف می‌نگرد در زمان او نیز خورشید به مدت سی شبانه‌روز در آسمان می‌ایستد. سوشیانس برگزیده‌ای همانند زرتشت است و هرآنچه با زرتشت آغاز شده، مأمور به انجام رسانیدن آن است.

او سودمند است و تن‌کردار، یعنی همه جهان مادی را سود می‌بخشد و همه مردمان را بی‌رنجی. پس از آن هیچ انسان زنده‌ای نمی‌میرد و همه مردمان با دوستی و مهربانی با یکدیگر رفتار می‌کنند و دین بهی را برمی‌گزینند.

دوره سوشیانس، دوره کمال و رشد موجودات اورمزدی است، همه دیوان از نسل چهارپایان و دوپایان نابود می‌شوند. بیماری، پیری، مرگ، آزار، ظلم و بدعت از بین می‌رود و مردمان مطیع فرمان‌های دینی هستند و در کنار یکدیگر به شادمانی زیست می‌کنند.

۱-۶ بررسی روند تکاملی مفهوم سوشیانت

در گاتاها که سروده‌های زرتشت نام دارد، کلمه سوشیانت به دو شکل مفرد و جمع به کار رفته است. شکل مفرد آن در گاتاها بر شخص زرتشت دلالت دارد.

... مرا به درستی از هنجار «منش نیک» بیاگاهان. «سوشیانت باید بداند که پاداش وی چه

سان خواهد بود».^۱

همچنین شکل جمع این واژه به آیندگانی اشاره دارد که راه زرتشت را در پی خواهند گرفت. بدین ترتیب واژه سوشیانت در گاتاها به صورت فراگیر و عام به کار رفته و به نقش آفرینی سوشیانت در دوران پایان گیتی اشاره‌ای نشده است. در کتاب یشت‌ها مفهوم سوشیانت با پایان گیتی و غلبه نیکی بر بدی پیوندی آشکار دارد، در این کتاب برای اولین بار واژه سوشیانت به طور اختصاصی برای سه موعود به کار می‌رود. در متون زرتشتی پس از اوستا همچون «بندھشن، جاماسب‌نامه و...» مفهوم سوشیانت با گسترش فوق‌العاده‌ای مطرح شده و شاخ و برگ فراوانی یافته است.

۱-۷ فره ایزدی و ارتباط آن با موعود

در جهان‌بینی زرتشت، فر یا فره ایزدی موهبتی ایزدی است که فرد با انجام خویش‌کاری‌های خود و رسیدن به درجه‌ای از کمال به دست می‌آورد. فره ایزدی، فروغی است که به دل هرکس بتابد از همگان برتری یابد، از پرتو این فروغ است که شخص به پادشاهی می‌رسد، شایسته سروری و سالاری می‌گردد و دادگر می‌شود. و نیز از نیروی این نور است که شخص در کمالات نفسانی و روحانی کامل می‌گردد و از سوی خداوند به پیامبری برگزیده می‌شود. فره ایزدی یک اصل مینوی و علوی است یعنی

^۱ پيسنه هات ۴۸، بند ۹

انسان به واسطه داشتن آن با پروردگار در اتحاد بوده و جزئی از نور بزرگ ازلی آفریننده عظیم است.

بارز ترین جلوه فر، تابندگی آن است. کسی که دارای فره است رخساری تابنده دارد. اوستا زرتشت را فرهمندترین شخص معرفی کرده است.

طبق متون زرتشتی، اهورامزدا فره ایزدی را برای ایرانیان ذخیره کرده تا آن را به سوشیانت عطا کند و سوشیانت واجد یک نیروی آسمانی می باشد که به ایشان قابلیت های ویژه ای می دهد.

۱-۸ فرشگرد در دین زرتشت

فرشگرد از ارکان اصلی مزدیسنا و معادل با معاد در ادیان ابراهیمی می باشد. در زبان پهلوی به معنی رساندن جهان به کمالی است که در آغاز آفرینش و پیش از یورش اهریمن و ورود پلیدی به آن وجود داشته است. اهورامزدا فرشگرد را با ظهور آخرین موعود آغاز می کند.

آخرین سوشیانت طی پنجاه و هفت سال تا آخرین انسان را از گور برمی انگیزاند.

همه انسان ها در یکجا گرد هم می آیند و هرکس به چشم خویش افعال نیک و بدش را می بیند. راست کاران را به بهشت برین می فرستد و بدکاران را به دوزخ فرو می افکند. پس از سه روز، رودی از فلز گداخته مهیا می شود که همه روان ها از آن عبور می کنند.

با این آزمون گناهان دوزخیان خواهد سوخت و تبه کاران، همچون پاکان، از آلودگی به هر گناهی پاک خواهند شد. آنگاه سوشیانت شربت جاودانگی را به مردم خواهد چشاند و هر یک از مردمان با نوشیدن آن جاودانه خواهند شد. سپس سوشیانت هرکس را به مقتضای اعمالش پاداش نیک خواهد داد.





۲ - ۱ مقدمه

از هنگامی که رومیان قدم به خاک یهود گذاشتند آن ملت مغلوب به امید نجات دهنده‌ای از غیب انواع مظالم را تحمل می‌کردند و منتظر ظهور منجی بودند. در آثار دینی یهود و کتاب‌های آنان همواره به موعود اشاره شده است. به عبارتی می‌توان آنها را از اقوامی دانست که انتظار موعود در دین آنها کیفیت ویژه‌ای دارد. بحث نجات‌نهایی و منجی موعود در فرهنگ یهود به ترتیب «گئولا» و «ماشیح» نامیده می‌شود.

۲ - ۲ جایگاه گئولا در آیین یهود

اندیشه نجات یافتن و انتظار برای منجی موعود که خواهد آمد و نظامی منطبق با قوانین الهی و آسمانی برقرار خواهد کرد، یکی از مهم‌ترین مباحث مشترک در میان همه‌ی ادیان توحیدی است. ارزش و اهمیت گئولا و ماشیح و انتظار در دیدگاه یهود نیز بسیار والا است به گونه‌ای که هیچ فرد یهودی نمی‌تواند منکر اهمیت موضوع ماشیح باشد. مطابق اصل دوازدهم از اصول سیزده‌گانه ایمانی یهود، هر فرد یهودی باید با ایمان کامل به ظهور ماشیح اعتقاد داشته باشد و هر روز و هر لحظه باید در انتظارش باشد.

طبق نظر عالمان یهود یکی از اهداف آفرینش جهان، وجود منجی است تا انسان‌ها را به کمال برساند و به همین دلیل عدم پذیرش منجی، فرد را از دین یهودیت خارج می‌کند. بنابر اعتقاد هارامبام (فیلسوف و دانشمند یهودی قرن دوازدهم میلادی) هر فرد یهودی که به ماشیح اعتقاد نداشته باشد و یا منتظر ظهور او نباشد، نه تنها گفته‌های سایر انبیا را انکار کرده است بلکه حتی منکر تورات و حضرت موسی(ع) شده است. آیه‌های بسیاری را در کتاب مقدس یهود (تنخ) و تلمود می‌توان یافت که درباره اهمیت و ارزش این موضوع صحبت می‌کند. از جمله این‌که در تورات آمده است:

خداوند، اسارت رفتگان تو را بازخواهد گرداند و بر تو رحم کرده (به سوی تو بازگشته) و خداوند خالقت، تو را از میان تمام اقوامی که در آنجا تو را پراکنده است، جمع‌آوری خواهد کرد. حتی اگر پراکندگی تو در انتهای آسمان باشد، خداوند خالقت تو را از آنجا جمع‌آوری خواهد کرد...^۱

جایگاه نجات و انتظار برای منجی تا آن اندازه است که به اعتقاد یهود، ظهور ماشیح و فعالیت‌های او در راه بهبود وضع جهان و تامین سعادت بشر، قسمتی از نقشه راه قادر مطلق در آغاز آفرینش جهان بوده است و ماشیح یکی از موضوعاتی است که حتی بر موضوع آفرینش دنیا مقدم است. درباره ماشیح و گئولا آیه‌های بسیاری وجود دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

هرچند او (ماشیح) در ظهورش درنگ کند اما تو برای او منتظر باش چراکه به‌طور قطع تاخیر نخواهد کرد.^۲

^۱ سفر تثئیه ۴ - ۳۰:۳

^۲ حقوق ۲:۳

خداوند می‌فرماید: برای من منتظر باشید برای روزی که به عنوان شهادت و گواه به پا خیزم. چرا که حکم من جمع‌آوری امت‌ها است. زیرا در آن زمان به ملت‌ها زبان پاک و روشنی خواهم داد تا جمیع ایشان نام خدا را بخوانند و یک دل و یک دوش او را عبادت نمایند.^۱

خداوند صاحب سپاهیان آسمان می‌فرماید: اینک من پیامبر خود را خواهم فرستاد... و آن آقایی که شما طلب می‌کنید ناگهان به محرابش خواهد آمد و پیامبرِ عهدی که شما آرزو می‌کنید، اینک خواهد آمد.^۲

۲-۳ شرایط تسریع بخش در وقوع گئولا

با توجه به اینکه از منجی در یهودیت به عنوان «هدف آفرینش» یاد می‌شود؛ تلاش‌های بسیاری برای درک و توضیح شرایط تسریع‌بخش در وقوع گئولا صورت پذیرفته است. در تورات توصیه‌های فراوانی به اجرای فرامینی که موجب تسریع گئولا می‌شود آمده است که به ذکر چند مورد از آنها خواهیم پرداخت.

الف) تشووا (توبه)

در آیین یهود بارها درباره ارزش تشووا تاکید شده است. موضوع مورد اهمیت ارتباط بین این دستور و ظهور منجی است؛ به عبارتی می‌توان بهترین و مستقیم‌ترین روش برای تسریع ظهور را تشووا در نظر گرفت. حضرت داوود(ع) می‌فرماید:

^۱ صفیا ۳:۸

^۲ ملاخی ۳:۱

همین امروز نجات خواهید یافت اگر به ندای او گوش فرا دهید.^۱

و در تلمود آمده است:

زمان‌هایی که برای پایان سختی‌ها در نظر گرفته شده بود سپری گشت (اما ماشیح ظهور نکرد) و ظهور او تنها وابسته به تشوای مردم و اعمال نیکی است که انجام دهند.^۲

ای نگهبان (یعنی خدا) سرانجام شب چه خواهد شد؟ نگهبان گفت: صبح (یعنی نجات) فرا رسیده و همچنین شب (کیفر و مجازات برای ستمگران). اگر خواستار نجات هستید آن را طلب کنید. توبه کنید و بیایید.^۳

به عبارتی دیگر خداوند آماده و بسیار مشتاق است که صبح آزادی فرار رسد. اما زمان آن وقتی است که خود انسان‌ها بخواهند، یعنی اگر خواهان تسریع نجات هستند باید توبه کرده و بازگردند.^۴

ب) اتحاد و همدلی بین اعضای جامعه

هیچ پدری دوست ندارد شاهد درگیری بین فرزندان خویش باشد، چنانچه خداوند تبارک و تعالی را همانند پدر آسمانی نسل بشر در نظر بگیریم، مسلماً خداوند نیز از دیدن اختلاف بین انسان‌ها که همچون فرزندان قلمداد می‌شوند، خشنود نخواهد شد. حضرت یعقوب قبل از فوت، اهمیت وجود اتحاد و همدلی را به فرزندان خود گوشزد می‌کند:

^۱ مزامیر ۹۵:۷

^۲ رساله سنهدرین، برگ ۹۷ب

^۳ یشعیا نبی ۱۲-۱۱:۲۱

^۴ شوخط، ۱۹۹۲م: ۴۵

یعقوب فرزندان خود را فراخواند و گفت: جمع شوید تا شما را از آنچه که در آینده برایتان اتفاق خواهد افتاد مطلع کنم.^۱

وی با بیان این کلمات فرزندان خود را از هرگونه دودستگی بر حذر داشت و به آنها اطلاع داد که برای برخورداری از نجات خداوند باید گرد هم آمده و متحد باشند.

ج) احسان و نیکوکاری

در میان عواملی که مشخصه زندگی اخلاقی هستند، اشتیاق شدید به کمک کردن به هموعانی که نیاز به مساعدت مادی و معنوی دارند، نقش بسیار برجسته‌ای در فرهنگ یهود ایفا می‌کند. اعمال حسنه و خداپسندانه طیف وسیعی از کارها را شامل می‌شود که یکی از مهم‌ترین آنها لزوم کمک به مستمندان و دادن صدقه است که در لفظ عبری «صداقا» گفته می‌شود.

این چنین می‌فرماید خداوند: عدالت و انصاف را رعایت کنید و صداقا انجام دهید چراکه رهایی من و احسان من برای آشکار شدن، قریب الوقوع است.^۲

بدین ترتیب لیاقت و نجات نهایی زمانی حاصل خواهد شد که افراد خود را آراسته به انجام صداقا کرده باشند، ترحم ما بر فقیران و مستمندان موجب برانگیخته شدن رحم ذات اقدس الهی و موجب تسریع وقوع گئولا خواهد شد.

^۱ سفر پیدایش ۴۹:۱

^۲ یشعیا نبی ۵۶:۱

۲-۴ بررسی رخدادهای پیش از گئولا

دوره نزدیک به ظهور ماشیح «عیقووت ماشیح» نامیده می‌شود. دانشمندان یهود در گفتارهای خود به دفعات به «دردهای زایمان» دوره ماشیح که بسیار سخت و شدید خواهند بود اشاره کرده‌اند. همانطور که قبل از تولد نوزاد، مادر درد و رنج بسیاری را تحمل می‌کند، همانگونه نیز ظهور ماشیح با سختی‌ها و مشقات طاقت‌فرسایی همراه خواهد بود. در دوره عیقووت ماشیح، آشفته‌گی و فساد در جهان به حد اعلی خود خواهد رسید و مشکلات و سختی‌ها، زندگی را تقریباً غیرقابل تحمل خواهد نمود.^۱

تملود ویژگی‌های دوره عیقووت ماشیح را این چنین پیش‌گویی می‌کند: کاهش در جمعیت عالمان دینی، ازدیاد مشکلات و احکام سخت، قحطی‌ها و جنگ‌های شدید و منفور شدن افراد خدا ترس.

۲-۵ عیقووت ماشیح و آزمایش ایمان بندگان

دردهای دوره ماشیح در عبری «حوله هَماشیح» نام دارد. یکی از دانشمندان یهود در این باره توضیح جالبی ارائه می‌دهد. بر طبق توضیح ایشان در آستانه حضور ماشیح، طنابی به دست خداوند خواهد بود که همگان آن طناب را با دست خود گرفته‌اند. خداوند طناب را به شدت تکان می‌دهد (اشاره به وقوع سختی‌ها در دوران ظهور ماشیح). در این حین آن افرادی که از ایمان قوی برخوردار هستند آن طناب را محکم می‌گیرند و رها نمی‌کنند اما دسته‌ای از افراد کم ایمان پیش خود می‌گویند که چرا خداوند باید طناب را اینگونه به شدت تکان دهد؟ لذا این دسته از افراد، آن طناب ایمان و توکل به خداوند را قبل از ظهور ماشیح از دست خود رها می‌کنند. بدین ترتیب رنج‌ها و سختی‌ها در دوران عیقووت ماشیح به اوج خود می‌رسد و عدالت به طور کامل از جهان رخت برمی‌بندد و برخی افراد نسبت به نظارت کامل خداوند و

^۱ کهن، ۱۳۸۲، ۳۵۴

^۲ در لغت به معنای درد زایمان اما در زبان عبری به معنای طناب و ریسمان نیز می‌باشد.

فصل دوم: موعود در یهودیت

عدالت او در ذهن خویش دچار شک و تردید می‌شوند. اما در نهایت آن فردی که ایمان خود را حفظ کند شاهد نجات خواهد بود.

به اعتقاد داشمندان یهود، بزرگترین آزمایش در دوران عیقووت ماشیح، سنجش ایمان انسان خواهد بود.

زمانی که شاهد نسل رو به زوال رفته و منحرف هستی، به او امید داشته باش... زمانی که

شاهد نسلی هستی که زیر بار سختی‌ها کمر خم کرده است، برای او منتظر باش.^۱

بدین ترتیب تنها با سلاح ایمان می‌توان دردها و رنج‌های قبل از ظهور ماشیح را تحمل کرد.

۲-۶ بررسی رخدادهای پس از گئولا

تلمود و کتاب‌های موخر، مملو از توضیحات گوناگون مربوط به رخدادهای پس از گئولا می‌باشد. در این بخش به طور کلی نگاهی به وقایع پس از گئولا خواهیم داشت.

الف) برقراری صلح پایدار و جهان شمول

صلحی پایدار، یکی از آرزوهای دیرین بشر و خواسته هر انسان خداپرست است. برقراری مسالمتی فراگیر و پایان هرگونه جنگ و خشونت، به طرز چشمگیری در نبوت‌های پیامبران بنی اسرائیل مربوط به دوران ماشیح به چشم آمده و خوش می‌درخشد.

و من کمان (و کلیه ادوات) جنگی را نابود خواهم ساخت و او (ماشیح) از صلح با امت‌ها صحبت خواهد کرد.^۲

^۱ رساله سنهدرین، برگ ۹۸الف

^۲ زخریا نبی ۹:۱۰

آیات دیگری نیز وجود دارد که این صلح و مسالمت را به دنیای حیوانات نیز بسط داده و از همزیستی مسالمت‌آمیز حیوانات اهلی و وحشی در کنار یکدیگر صحبت می‌کنند.

(ب) فراگیر شدن ایمان به خداوند و شناخت او

به اعتقاد یهود پس از ظهور ماشیح، خداپرستی در جهان گسترده شده و تمام انسان‌ها خداوند را خواهند شناخت.

در آن هنگام خداوند بر کل زمین حکومت خواهد کرد. در آن روز خداوند یکتا و نامش یکتا خواهد بود.^۱

در آن زمان درک الهیات به شدت گسترده‌تر شده و شناخت از خداوند بسیار والاتر خواهد شد و دنیا شاهد درک الهیات به صورت واضح‌تر خواهد بود.

چراکه زمین از شناخت و درک جلال خداوند همانند آب‌هایی که دریا را پوشانیده‌اند، پر خواهد گشت.^۲

(ج) زنده شدن مردگان

رستاخیز مردگان، اصل سیزدهم از اصول اعتقادی ایمان یهود است که پس از ظهور منجی عملی خواهد شد و در وقوع آن جای هیچ‌گونه شک و تردید وجود ندارد. هرچند درباره زمان وقوع آن نمی‌توان به قطعیت سخن گفت.

بسیاری از افرادی که در خاک زمین خفته‌اند، بیدار خواهند شد.^۳

^۱ زخریا نبی ۱۴:۹

^۲ حقیوق نبی ۲:۱۴

^۳ دانیال نبی ۱۲:۲

مردگان تو زنده خواهند شد ... ای خفتگان در خاک! بیدار شوید و ترنم کنید ...^۱

به غیر از موارد اشاره شده، رخدادهای دیگری همچون شفای همگی بیماران و از بین رفتن مرگ و میر و فراوانی برکت و محصولات کشاورزی از دیگر رخدادهایی است که در منابع یهود از آن یاد شده است.

۲-۷ هویت ماشیح

همه دانشمندان یهود، ماشیح را انسانی می‌دانند که خداوند او را برای وظیفه‌ای ویژه مامور کرده است. به اعتقاد یهود، ماشیح بخشی از نقشه خداوند در آغاز آفرینش جهان بوده است تا توسط او وضع جهان را بهبود ببخشد.

پیش از آنکه عالم هستی به وجود آید، هفت چیز آفریده شد: تورات، توبه، باغ عدن (بهشت)، جهنم، اورنگ جلال الهی، بیت همیقداش، نام ماشیح.^۲

در میدراشی موخر چنین آمده است:

از آغاز خلقت عالم، پادشاه ماشیح به دنیا آمد؛ زیرا لزوم وجود او حتی پیش از آنکه جهان آفریده شود، به ذهن خداوند خطور کرد.^۳

آیاتی که به ماشیح اشاره دارند، نام‌های گوناگونی را برای او برشمرده‌اند. شاگردان مکتب شیلو او را «شیلو»، شاگردان مکتب ربی ینای او را «یینون» و شاگردان مکتب ربی حنینا او را «حنینا» می‌نامند.

^۱ یسعیا نبی ۲۶:۱۹

^۲ پساحیم، ۵۴ الف

^۳ پسیقتا رباتی، ۱۵۲ ب

۲- ۸ ماشیح و عصر اتوپایی

همانطور که بیان شد در آیین یهود منجی با عنوان ماشیح شناخته می‌شود؛ به معنی کسی که به وسیله‌ی خدا برای پادشاهی تدهین و غسل داده شده است و یهودیان را به سرزمین موعودشان باز می‌گرداند و دوران طلایی را آغاز می‌کند. اعتقاد به منجی اغلب به کسی اشاره می‌کند که به وسیله خداوند برای نقشی حیاتی در وقایع و اتفاقات آخرالزمان انتخاب شده است. ظهور منجی از یک عصر اتوپایی خبر می‌دهد. برای بسیاری از یهودیان این به معنای پادشاهی خداوند یا پادشاهی بهشتی است.

این عصر بعد از دوره‌ای با ظلم و جور و بحران‌های شدید به وقوع خواهد پیوست. دورانی از رنج‌ها و فجایع بزرگ به عنوان علامتی از نزدیک بودن ظهور منجی در نظر گرفته می‌شود.

۲- ۹ خصوصیات دوران ماشیح

دوران ظهور ماشیح از منظر یهودیان، دورانی سراسر پر خیر و برکت و همراه با رفاه و امنیت است. نیروی باروری طبیعت به میزان شگفت‌انگیزی فزونی خواهد یافت؛ برای مثال: غلات در مدت یک ماه رشد می‌کنند و درختان ظرف دو ماه میوه می‌دهند؛ یک دانه گندم به اندازه دو قلوه‌ی یک گاو بزرگ خواهد بود و برای حمل یک حبه انگور، گاری یا قایق لازم است و باید آن را در گوشه‌ی خانه گذاشت.

ذات قدوس مبارک، ده چیز را در دوران ماشیح تازه خواهد کرد:

۱. او خود جهان را به نور خویش روشن خواهد کرد.
۲. از اورشلیم آب روان جاری خواهد ساخت و هرکسی را که بیماری داشته باشد، به واسطه آن شفا خواهد داد.
۳. درختان را وادار می‌کند تا هر ماه میوه بیاورند و انسان از آن میوه‌ها می‌خورد و شفا می‌یابد.
۴. تمام شهرهای ویران را از نو آباد خواهد کرد.
۵. خداوند اورشلیم را با سنگ‌های یاقوت کبود از نو بنا خواهد کرد.

۶. صلح جاودان در سراسر طبیعت حکم فرما خواهد شد.
۷. خداوند، تمامی حیوانات و خزندگان را فراخوانده و با آنها و با تمام اسرائیل عهد خواهد بست.
۸. گریه و شیون و زاری در جهان نخواهد بود.
۹. مرگ، دیگر در دنیا وجود نخواهد داشت.
۱۰. دیگر آه و ناله‌ای به گوش نخواهد رسید و همه خوشحال و شادمان خواهند بود.

۲ - ۱۰ ماشیح در نماز یهودیان

در قدیش که مشهورترین قسمت نماز یهودیان بعد از شمع اسرائیل است برای ظهور منجی عالم دعا شده است:

نام خداوند بزرگ و مقدس است (آمین). در جهانی که با رضایت خودش خلق نموده و سلطنت خود را بر آن استوار کرده است، نجات انسان‌ها را فراهم و ظهور ماشیح را تسریع فرماید (آمین) دعا کنیم که در ایام زندگی ما و در دوران حیات جمیع افراد یهود به زودی و در زمانی نزدیک ظهور ماشیح اتفاق افتد (آمین). نام بزرگ خداوند در این جهان و دنیای باقی متبارک است. نام مقدس او متبارک، ممدوح، مفتخر و بلند مرتبه برگزیده و مجلل و مورد تهلیل می‌باشد (آمین)...

۲ - ۱۱ ماشیح در عهد عتیق

ظهور ماشیح در کتاب عهد عتیق به این معناست که در آخرالزمان، خداوند جهان را دگرگون خواهد فرمود و صالحان از اشرار جدا خواهند شد و روزگار پر از ظلم و جور به پایان خواهد رسید. این پیروزی در آثار یهود به رهبری ماشیح که از خاندان داوود (ع) است انجام می‌شود. بدین ترتیب با فرمان الهی و دمیده شدن روح خدا در او حکومت شایسته‌ای را در تپه صهیون

برپا خواهد کرد و آن سرزمین در همه جهان نمونه خواهد شد و ملت‌ها از سرتاسر جهان برای آموختن راه‌های الهی به آنجا رهسپار خواهند شد.^۱

۲-۱۲ بررسی روایات از کتب عهد عتیق

اینک در اینجا قصد داریم تا چند کتاب عهد عتیق که در آن به موعود اشاره شده است را ذکر کنیم.

الف) تورات

در تورات، سفر پیدایش بند ۱۰ و ۴۹ آمده است:

عصای سلطنت و قدرت یهود دور نخواهد شد و نه فرمانروایی از میان پاهای دی تا شیلو بیاید و او را اطاعت امت‌ها خواهد بود.

ب) صحیفه دانیال نبی

این صفحه مشتمل بر یاد ایام گذشته و تاریخ باستانی است و دوران اسارت بابل سخن می‌گوید، بشارت می‌دهد که دنیای پر از آفت و شر به پایان خواهد رسید. خداوند خطاب به حضرت دانیال می‌فرماید:

و در زمان میکائیل، امر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده (قائم) است، خواهد برخاست و آن زمان ننگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز نبوده و در آن زمان هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد. آنان که بسیاری را به راه

^۱ گرینستون، جولیوس هیلل. انتظار مسیحا در آیین یهود (۱۳۷۷)

عدالت رهبری می نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابدالابد. اما تو ای دانیال! کلام مخفی دار و کتاب را تا آن زمان پوشیده دار. بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود... خوشا به حال آنان که انتظار کشند.^۱

در باب ۷ بند ۱۴ کتاب دانیال نبی نیز آمده است:

پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قوم‌ها و امت‌ها و همه او را خدمت نمایند.

ج) کتاب حکى نبی

در باب ۲ بند ۷ چنین آمده است که:

تمامی امم را به هیجان می آورم و مرغوب همگی طوائف خواهد آمد و پر می کنم این خانه را از جلال، امر خدای لشگرهاست.

د) کتاب صفینای نبی

در باب ۳ آمده است :

به منظور گردآوری تمامی طوائف زمین بر یک دین حق سلاطین و دُول مختلف را نابود کنم... آنوقت برگردانیم به قوم‌ها لب پاکیزه، برای خواندن همه، به نام خدای و عبادت کردن ایشان به یک روش.

^۱ باب ۱۲ بند ۱ تا ۴

ه) کتاب اشیاء نبی

در باب دوم بندهای ۲ - ۴ آمده است:

و در ایام آخر واقع خواهد شد... جمیع امت‌ها به سوی او روان خواهند شد... او امت‌ها را داوری خواهد نمود و قوم‌های بسیاری را تنبیه خواهد کرد... امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت...

و در باب ۱۱ بندهای ۱۴ - ۱۶ آمده است:

بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود... کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت.

و) کتاب زکریای نبی

در باب چهاردهم بندهای ۱ و ۲ و ۷ ذکر شده است:

و خداوند بیرون آمده با آن قوم‌ها مقاتله خواهد نمود، چنان‌که در روز جنگ مقاتله نمود و در آن روز پای‌های او بر کوه زیتون که از طرف مشرق مقابل اورشلیم است، خواهد ایستاد... و آن یک روز معرف خداوند خواهد بود... و یهوه بر تمام زمین پادشاه خواهد بود.

ز) کتاب حزقیال نبی

در باب ۳۹ بند ۱۷ - ۲۳ در مورد منجی آخرالزمان و جهانی شدن آیین توحید آمده است:

و اما تو ای پسر انسان خداوند یهوه چنین می‌فرماید: که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو: جمع شوید و بیایید... خداوند یهوه می‌گوید: که بر سفره من از اسبان

فصل دوم: موعود در یهودیت

و سواران و جباران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد و من جلال خود را در میان امت‌ها قرار خواهم داد و امت‌ها داوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت و دست مرا که بر ایشان فرود خواهم آورد، مشاهده خواهند نمود...

۲- ۱۳ موعود آخرالزمان در زبور داوود (ع)

در زبور اشاره‌های متعددی به ظهور منجی و نوید پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم موجود می‌باشد. در مزمور ۳۷ آمده است:

زیرا که شریران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد زیرا که بازوان شریر شکسته خواهند شد و اما صالحان را خداوند تایید می‌کند...

در مزمور ۲۲ و ۲۹ می‌خوانیم:

قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند. صحرا و هرچه در آن است به وجود آیند. آنگاه تمام درختان ترنم خواهند نمود به حضور خداوند دیار که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد... زیرا که متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد، صدیقان وارث زمین شده و ابداً در آن ساکن خواهند شد.

همچنین در مزمور ۳۴ و ۳۸ ذکر شده است:

به خداوند پناه بر راهش را نگاه‌دار که تو را به وراثت زمین بلند خواهد کرد و در وقت منقطع شدن شریران این را خواهی دید اما عاصیان مستأصل و عاقبت شریران منقطع خواهند شد.

در مزمور ۷۲، موعود به عنوان ملک زاده‌ای معرفی شده که کامل‌ترین مظهر عدل الهی است:

ای خدا شرع و احکام خود را به ملک و عدالت خود را به ملک‌زاده عطا فرما. این که قوم تو را به عدالت و فقرا تو را به انصاف حکم نماید... فقیران قوم را حکم نماید و پسران مسکینان را نجات دهد. بر گیاه بریده شده مثل باران و مانند امطار که زمین را سیراب می‌گرداند خواهد بارید. از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصای زمین سلطنت خواهد نمود. زیرا فقیر را که وقتی فریاد می‌کند و مسکین را، که نصرت‌کننده ندارد، خلاصی خواهد داد... اسم او ابد بماند اسمش مثل آفتاب باقی بماند بر او مردمان برکت خواهند یافت و تمامی قبائل او را خجسته خواهند گفت.





۳ - ۱ مقدمه

در مسیحیت، لغت آخرالزمان^۱ به معنی آشکار شدن اطلاعات پنهان یا بروز دانش نهانی است. به این مفهوم که باطن جریانات بشری را آشکار می‌سازد، مسیحیان هزاره‌گرا، ظهور و بازگشت حضرت مسیح (ع) را مقدمه‌ی آخرالزمان قلمداد می‌کنند، هزاره‌ای که حضرت مسیح به مدت هزار سال حکومت خواهد کرد.

در این فصل به بررسی مفهوم آخرالزمان و منجی در آیین مسیحیت خواهیم پرداخت و بشارت‌های کتب این آیین مقدس را درباره‌ی موعود ذکر خواهیم کرد.

۳ - ۲ بشارت‌های ظهور موعود آخرالزمان

موعود آخرالزمان بیشتر در انجیل با عنوان «پسر انسان» ذکر شده است که این تعبیر بیش از ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن تکرار شده که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی (ع) قابل تطبیق است و ۵۰ مورد دیگر آن از نجات دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و عیسی نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد.

۳ - ۳ بشارت ظهور در انجیل متی

در انجیل متی، نویدهایی مبنی بر ظهور منجی آخرالزمان آمده است:

^۱ Apocalypses

و چون عیسی(ع) به کوه زیتون نشسته بود شاگردانش در خلوت نزد وی آمدند و گفتند: به ما بگو که این امور کی واقع می‌شود و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟

عیسی(ع) در جواب ایشان گفت: زنهار کسی شما را گمراه نکند. از آن رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد و جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را خواهید شنید. زنهار مضطرب نشوید؛ زیرا که وقوع این همه لازم است، لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود و قحطی‌ها و وباها و زلزله‌ها در جای‌ها پدید آید...

آنگاه اگر کسی به شما گوید: اینک مسیح در اینجا یا در آنجا است، باور مکنید؛ زیرا که مسیحان کاذب و انبیای کذب ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی، اینک شما را پیش خبر دادم.

پس اگر شما را گویند: اینک در صحراست بیرون مروید یا آن که در خلوت است باور مکنید؛ زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد...

و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و قوت‌های افلاک متزلزل گردد. آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید...

پس از درخت انجیر مثلش را فرا گیرید که چون شاخه‌اش نازک شده برگ‌ها می‌آورد، می‌فهمید که تابستان نزدیک است. همچنین شما نیز چون این همه را ببینید بفهمید که نزدیک - بلکه بر در - است. هر آینه به شما می‌گوییم...

آسمان و زمین زایل خواهند شد؛ لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد. اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی فرشتگان آسمان جز پدر من و بس؛ لیکن چنان که ایام نوح (ع) بود، پسر انسان نیز چنان خواهد بود...

پس بیدار باشید؛ زیرا که نمی دانید در کدام ساعت خداوند شما می آید. لیکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می دانست در چه پاس از شب دزد می آید، بیدار می ماند و نمی گذاشت که به خانه اش نقبزند.

لذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید پس آن غلام امین و دانا کیست که آقايش او را بر اهل خانه ی خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد. خوشا به حال آن غلامی که چون آقايش آید او را در چنین کار مشغول یابد.^۱

اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع فرشتگان مقدس خویش آید آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امت ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کند به قسمی که شبان میش ها را از بزها جدا می کند و میش ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید:

بیایید ای برکت یافتگان از پدر من! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید.^۲

^۱ کتاب مقدس، انجیل متی، ص ۴۱، باب ۲۴، بندهای ۱-۸، ۲۳-۲۸، ۲۹-۳۷ و ۴۲-۴۶

^۲ کتاب مقدس، انجیل متی، ص ۴۴، باب ۲۵، بندهای ۳۱-۳۴

۳- ۴ بشارت ظهور در انجیل لوقا

کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را فروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.^۱

و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود، زیرا قوت آسمان متزلزل خواهد شد و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید.^۲

۳- ۵ بشارت ظهور در مکاشفه یوحنا ی رسول

و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد، زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پای‌هایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است و آبستن بوده از درد و عذاب زاییدن فریاد بر می‌آورد. و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک اژدهای بزرگ آتش‌گون که او را هفت سر و ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده آن‌ها را بر زمین ریخت و اژدها پیش آن زن - که می‌زاید - بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد.

^۱ کتاب مقدس، انجیل لوقا، ص ۱۱۶ باب ۱۲، بندهای ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ تا ۴۰

^۲ انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۲۵ تا ۲۷

پس پسر نرینه را زایید که همه‌ی امت‌های زمین را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد و فرزندش به نزد خدا و تخت او ربوده شد...

و در آسمان جنگ شد، میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگ کردند و اژدها و فرشتگانش جنگ کردند؛ ولی غلبه نیافتند، بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد و اژدهای بزرگ انداخته شد، یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مسمی است که تمام ربع مسکون را می‌فریبد. او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش با وی انداخته شدند.^۱

با اندکی دقت در آیات فوق این نتیجه به دست می‌آید که شخص مورد بشارت در مکاشفه‌ی یاد شده، بزرگترین مولود جهان انسانیت و شخص ممتاز و بی نظیری است که به منظور ایجاد حکومت الهی و بر افکندن بنیاد اهریمنان، به ناچار مدتی از انتظار مردمان غایب خواهد گردید و خداوند عالم آن یگانه مظهر نور الهی را از دیدگان اشرار و شیاطین جنی و انسی مخفی و مستور نگه خواهد داشت تا در زمانی که خواست خداوند است؛ از پشت پرده‌ی غیبت ظاهر شده و با عصای آهنین بر بشریت حکومت کند. در قسمت دیگری از مکاشفه‌ی یوحنا‌ی رسول آمده است:

و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می‌نماید و چشمانش چون شعله‌ی آتش و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچکس آن را نمی‌داند و جامه‌ی خون آلود سرخ درد بر دارد و نام او را کلمه‌ی خدا می‌خوانند. و لشکریایی که در آسمانند بر اسب‌های سفید و به کتان سفید و پاک ملبّس از عقب او می‌آمدند و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن امت‌ها را بزند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود... و دیدم فرشته را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می‌کنند ندا کرده،

^۱ کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا‌ی رسول، ص ۴۰۸، باب ۱۲، بندهای ۱ تا ۵ و ۷ تا ۱۰

می‌گوید: بیاید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران ...^۱

۳-۶ اندیشه‌ی بازگشت مسیح در میان مسیحیان

اندیشه‌ی بازگشت مسیح از باورهای غالب جامعه‌ی مسیحیت است و از آن‌جا که به اموری مثل رستاخیز و داوری ارتباط دارد، از مولفه‌های اساسی ایمان و الهیات مسیحی است؛ چه این‌که جزای ایمان به مسیح، زیستن و زنده شدن با او و حیات ابدی در ملکوت آسمان‌ها با اوست. از دیرباز گروه‌های کوچکی به نام هزاره‌گرا در مسیحیت پدید آمده‌اند که تمام تلاش و سعی خود را صرف آمادگی برای ظهور دوباره‌ی عیسی در آخرالزمان می‌کنند. البته وجود آیاتی در عهد جدید این حالت انتظار را تشدید می‌کند و با اشاره به عدم تعیین وقت ظهور، آن را ناگهانی معرفی می‌کنند. در انجیل متی از زبان عیسی این‌گونه نقل شده است:

شما نمی‌توانید زمان و موقع آمدن مرا بدانید؛ زیرا این فقط در ید قدرت خداست. هیچ بشری از آن لحظه آگاهی ندارد حتی فرشتگان؛ تنها خدا آگاه است.

مسیحیت ضمن تاکید بر غیرمنتظره بودن بازگشت عیسی، هدف از این بازگشت را ایجاد حکومتی الهی در راستای وعده‌ی ملکوت آسمان‌ها ارزیابی می‌کند. علاوه بر این، ظهور مسیح، یگانه راه‌حل برای ادامه حیات و زندگانی برشمرده می‌شود و عیسی منجی انسان‌ها و پادشاه پادشاهان معرفی می‌گردد.

مسیحیان علامات‌ی برای ظهور دوباره‌ی مسیح برمی‌شمارند:

عن قریب بعد از آن آزمایش سخت، روزگاران خورشید تیره و تار می‌گردد و ماه نور خود را از دست خواهد داد و ستارگان افول خواهند کرد و قدرت‌های آسمانی نیز به لرزه

^۱ کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا، رسول، ص ۴۱۷، باب ۱۹، بندهای ۱۱ تا ۱۸

درخواهند آمد و سپس آثار و نشانه‌های ظهور آن مرد آسمانی آشکار خواهد شد و سپس تمامی قبایل زمین نگران و غمگین می‌گردند و آن‌گاه عیسی از ابرهای آسمان با جلال و شکوه و قدرت فرو خواهد آمد.

در انجیل مرقس نیز ضمن تاکید بر همین مضامین، به جمع‌آوری یاران توسط مسیح اشاره شده است:

سپس عیسی با شکوه و جلال و قدرت خواهد آمد و فرشتگان تحت امر خود را به اطراف و اکناف عالم روانه خواهد کرد و منتخبان خود را از چهارگوشه‌ی جهان از بالاترین نقطه‌ی آسمان تا پایین‌ترین نقطه‌ی زمین جمع خواهد کرد.

امید بستن به جهانی نورانی که در آن، آدمی به همه خواست‌های خود برسد و از تمامی گناهان پاک و از همه دل‌بستگی‌های مادی رهایی یابد و نیز ایمان به نجات دهنده‌ای که برآورده‌کننده‌ی این آرزوها باشد، در کتاب مقدس آشکارا دیده می‌شود.

۳-۷ اهمیت بازگشت مسیح در کتاب مقدس

کتاب مقدس، به موضوع نجات و بازگشت دوباره‌ی مسیح اهمیت فراوانی می‌دهد. بازگشت مسیح، در عهد جدید بیش از سیصدبار آمده است و چندین باب کامل، به این موضوع اختصاص دارد به عبارتی می‌توان گفت این آموزه از مهم‌ترین آموزه‌های مسیحیت به شمار می‌رود.

رجعت مسیح، امید بزرگ کلیساست و آمدن منجی و بازگشت مسیح، امید اصلی مسیحیان است و با انتظار منجی مسیحیت حیات می‌یابد. یوحنا می‌گوید:

ای حبیبان! الان فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است، لیکن می‌دانیم که چون او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود؛ زیرا او را چنان که هست، خواهیم دید و هرکس این امید را بر وی دارد، خود را پاک می‌سازد، چنان که او پاک است.^۱

باور به این آموزه، انگیزه‌ای قوی برای ثبات ایمان و اعتقاد و پاکی و تقوا ایجاد می‌کند. کتاب مقدس با وعده و تشریح رجعت مسیح، محرکی بسیار قوی برای اعمال و خدمات مسیحی ایجاد می‌کند.

۳-۸ مراحل رجعت و ظهور مسیح

براساس آموزه‌های کتاب مقدس، رخدادهای آخرالزمان و بازگشت مسیح برای نجات بخشی، در چندین مرحله انجام می‌پذیرد که عبارتند از:

الف) بازگشت اولیه‌ی مسیح

این مرحله شامل ربودن مومنان و بردن آنان به آسمان است. در یک چشم برهم زدن، به صورت ناگهانی و بدون آگاهی قبلی، عیسی مسیح، آنهایی را که آماده‌ی بازگشت او هستند، می‌رباید و به آسمان می‌برد. هدف از این ملاقات در آسمان، دادرسی مومنان و دادن پاداش به آنان و حساب پس دادن در استفاده از استعدادها و اموال و فرصت‌هایی است که به آنها داده شده بود.

هدف دیگر، آماده کردن اوضاع و از میان بردن موانع ظهور است. موانع ظهور ممکن است دولت‌های بشری یا شیطان باشند که از آن با عنوان دجال، ضد مسیح و قانون شکن یاد شده است.

پولس رسول می‌گوید:

^۱ اول یوحنا ۲:۳ و ۳

اما وطن ما در آسمان است که از آنجا نجات دهنده، یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می‌کشیم که شکل جسم ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسم مجید او مصوّر شود.^۱

(ب) دوران مصیبت عظیم

پس از مرحله‌ی اول ظهور مسیح، دوران مصیبت بسیار شدیدی پیش‌گویی شده است. در این دوره که بنابر برخی اشاره‌ها هفت سال طول خواهد کشید، چنان زمان سخت و تنگی خواهد شد که از هنگام پیدایش امت‌ها تا بدین روز همانندی نداشته است.

(ج) بازگشت ثانویه‌ی مسیح و سلطنت هزارساله او بر زمین

بنابر آموزه‌های کتاب مقدس، هنگامی که سال‌های مصیبت بی‌سابقه به پایان خود نزدیک شود، روح‌هایی از دهان اژدها و از دهان وحش و از دهان نبی کاذب بیرون می‌آیند و بر پادشاهان ربع مسکون زمین خروج می‌کنند تا ایشان را برای جنگ عظیم در «هرمجدون» فراهم آورند. آنان جمع می‌شوند تا اورشلیم را تصرف کنند و یهودیان و فلسطین را به اسارت درآورند، ولی وقتی به پیروزی نزدیک شده‌اند، مسیح با لشکریان خود از آسمان نزول خواهد کرد و در جنگ نهایی بر آنان غلبه خواهد کرد. این دوره، هزارسال به طول می‌انجامد و مسیح فرمان‌روای جهانی پرستش خواهد شد و عدل و انصاف کامل در جهان برپا خواهد گشت. شیطان و روح‌های شریر بسته می‌شوند و به مدت هزارسال در «هاویه» افکنده خواهند شد.

^۱ فلیپیان ۳: ۲۰-۲۱

۳- ۹ رجعت مسیح، اهداف و عملکرد

در این بخش به بررسی اهداف رجعت مسیح و نتایج ظهور او خواهیم پرداخت، نویسندگان مسیحی با استناد به کتاب مقدس، اهدافی را برای ظهور عیسی ذکر کرده‌اند:

الف) ظاهر ساختن شکوه و جلال خود

یکی از اهداف عیسی مسیح از ظهورش، نشان دادن خود و عظمتش به جهانیان است. تمام طوایف زمین، پسر انسان را خواهند دید که بر ابرهای آسمان، با قوت و جلال عظیم می‌آید.

اینک با ابرها می‌آید و هر چشمی او را خواهد دید و آنانی که او را نیزه زدند و تمامی امت‌های جهان، برای وی خواهند نالید.^۱

ب) استقرار حکومت جدید

مسیح به همراه لشکریان خود که هنگام ظهور همراه او هستند با دشمنانش درگیری خواهد داشت، این جنگ با پیروزی قطعی آن حضرت همراه خواهد بود. در پی آن درگیری، مخالفت سیاسی علیه مسیح و ملکوت از بین خواهد رفت و راه برای استقرار نظام جدید هموار خواهد گردید.

ج) داوری امت‌ها

هنگامی که جنگ هرمجدون به پایان رسیده باشد و حکومت مسیح استقرار کامل یافته باشد، مسیح بر تخت باشکوه خود می‌نشیند و میان مردمان و امت‌ها داوری می‌کند و از طرز رفتار آنها با برادران خواهد پرسید. در این داوری برای خوبان حیات ابدی و برای بدان، مجازات ابدی در نظر خواهد گرفت.

^۱ مکاشفه ۷:۱

د) برکت دادن به زمین با گسترش عدالت

برکت بخشی به زمین، ایجاد عدالت، صلح و آرامش، از اهداف مسیح و بازگشت به شمار می‌رود؛ زیرا خشکی زمین، نتیجه گناه و بی‌عدالتی انسان است. با رجعت مسیح و برطرف شدن لعنت و گناه، همه موجودات حتی زمین و گیاهانش نجات می‌یابند و آب‌ها در بیابان و نهرها در صحرا خواهد جوشید و مکان‌های خشک به چشمه‌های آب مبدل خواهد گردید.

۳- ۱۰ داوری نهایی و پایان جهان

بر اساس کتاب مقدس، خداوند زمانی را مقرر کرده که در آن ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد نمود. این داوری، واقعه‌ای عینی است که در وقتی معین اتفاق می‌افتد، داوری نهایی از جمله حوادث همزمان با پایان عالم و آمدن عیسی است. در آن روز عدل الهی به طور کامل ظاهر می‌شود و اسرار انسان‌ها آشکار می‌شود. هرکسی بنابر اعمالش در این دنیا، داوری می‌شود و آن روز تجلی داوری عادلانه خداست. قانون و معیار داوری در آن روز شریعت الهی است. همه‌ی آنان که انجیل و بشارت مسیح را شنیده و نپذیرفته‌اند، به دلیل مخالفت با شریعت الهی محاکمه می‌شوند. داوری هر کسی به اندازه نور عطا شده به اوست؛ پس بنده‌ای که اراده‌ی مولای خویش را دانست و خود را مهیا نساخت تا به اراده‌ی او عمل نماید، تازیانه بسیار خواهد خورد، اما آنکه نادانسته کارهای شایسته خوب کند، تازیانه کم خواهد خورد و به هر کسی که زیاد عطا شود، از وی مطالبه زیادتر گردد. در داوری، جزای نیکوکاران و بدکاران به صورت حتمی تعیین می‌شود و به جایگاه ابدی‌شان محکوم می‌شوند.

۳- ۱۱ پایان دوران

مشهورترین آیاتی که بر پایان عالم دلالت می‌کند عبارتند از:

از قدیم بنیاد زمین را نهادی و آسمان‌ها عمل دست‌های توست. آنها فانی می‌شوند، لیکن تو باقی هستی و جمیع آنها مثل جامه‌ی مندرس خواهند شد و مثل ردا آنها را تبدیل خواهی کرد و مبدل خواهند شد.^۱

در اشعیا آمده است:

زیرا اینک من آسمانی جدید و زمینی جدید خواهم آفرید و چیزهای پیشین به یاد نخواهد آمد و به خاطر نخواهد گذشت.^۲

همچنین در لوقا آمده است:

آسمان و زمین زایل می‌شوند، ولی سخنان من زایل نخواهند شد.^۳

نتیجه‌ی این تغییر ایجاد آسمان‌ها و زمین جدید است؛ نظر غالب این است که زمین جدید مسکن نیکوکاران می‌شود و پاکان قادرند به عوالم دیگر بروند و محصور در مکانی واحد نخواهند بود.

^۱ مزامیر ۱۰۲:۲۵ و ۲۶

^۲ اشعیا ۶۵:۱۷

^۳ لوقا ۲۱:۳۳





۴ - ۱ مقدمه

حضرت مهدی (عج)، دوازدهمین امام شیعیان در سیپده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در سامرا متولد شد. ایشان تا سال ۲۶۰ هجری قمری در کنار پدر بزرگوارش زندگی می‌کرد. امام حسن عسکری (ع) ایشان را از آسیب حاکمان عباسی که تصمیم بر قتل وی داشتند حفظ نمود و در همین میان نیز ایشان را به بعضی از یاران نزدیک و مورد اعتماد خود نشان می‌داد و به عنوان امام بعد از خود معرفی می‌کرد.

پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) در سال ۲۶۰ هجری قمری، امامت امام مهدی (عج) آغاز شد. آن حضرت از ابتدای امامت خود دو غیبت داشته است. اول، غیبتی که تا سال ۳۲۹ هجری قمری طول کشید و غیبت صغری نامیده می‌شود. ایشان در این دوره از طریق چهار نفر از یاران مورد اعتماد خویش، پیوسته با پیروان خود در ارتباط بود و آنان رهبری می‌کرد. شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب، امام مهدی (عج) برای ایشان نامه‌ای نوشت و فرمود به فرمان خداوند پس از وی جانشینی نیست و مرحله دوم غیبت آغاز می‌شود. این دوره از غیبت که تاکنون ادامه دارد به دلیل طولانی بودن آن غیبت کبری نامیده می‌شود.

۴ - ۲ مهدویت در دیدگاه اهل سنت

مهدویت موضوعی کلامی است. از این رو، اندیشمندان مسلمان بیشتر در آثار کلامی خود آن را بررسی کرده‌اند. در منابع اهل سنت درباره این مبحث سخن زیادی گفته نشده است؛ چراکه اساساً در دیدگاه متکلمان اهل سنت، امامت موضوعی کلامی نیست. با این حال، مهدویت به

صورت ضمنی در برخی از منابع حدیثی اهل سنت بررسی شده است. این موضوع در ضمن بحث حوادث مشرف به قیامت مطرح شده است. تفتازانی می‌نویسد:

احادیثی درباره ظهور یکی از فرزندان فاطمه و گستردن عدالت در زمین و نیز نزول

عیسی (ع) وجود دارد.^۱

ملاعلی قاری، یکی از اندیشمندان ماتریدیه، چنین می‌گوید:

مهدی در حرمین شریفین ظهور می‌کند و به بیت المقدس می‌آید. در آنجا دجال مهدی را محاصره می‌کند. عیسی از مناره شرقی دمشق نازل شده و دجال را از بین می‌برد و پشت سر مهدی نماز می‌خواند.^۲

برخی محدثان اهل سنت، از جمله متفکران سلفیه و وهابیت، روایاتی که در آنها از مهدی سخن گفته شده است را با نگاهی نقادانه می‌نگرند. از دیدگاه این گروه، احادیثی درباره مهدی و چگونگی ظهور وی آمده است که برخی قابل قبول‌اند، از جمله روایاتی که مهدی را امامی عادل و احیاگر می‌داند که در آخرالزمان ظهور می‌کند. او همانم پیامبر (ص) و از فرزندان فاطمه (س) است^۳ و از مکه ظهور می‌کند و خدا در یک شب امور او را اصلاح می‌کند و زمین را که تا آن روز آکنده از ظلم شده است، پر از عدل و داد می‌کند. پرچم‌های سیاه از خراسان با وی همراه می‌شوند. در زمان ظهورش باران فراوان می‌بارد، زمین پربرکت و اسلام عزیز و غالب می‌شود. بخشش‌های او بی‌حساب و ثروت مردم در دوران او فراوان است. یهود با او مخاصمه می‌کند و دجال به مبارزه با او بر می‌خیزد؛ اما خدا عیسی را به یاری او می‌فرستد تا دجال را بکشد و عیسی (ع) در نماز به مهدی اقتدا می‌کند. مهدی از هر جهت بی‌همانند است؛

^۱ تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۳۱۲

^۲ قاری، منح الروض الازهر فی شرح الفقه الاکبر، ص ۳۲۴

^۳ ابن حماد، الفتن، ص ۲۵۱

در علم، تقوی، عبادت و اخلاق. او صلح می‌آورد و به تربیت امت می‌پردازد. او به سنت نبوی عمل می‌کند و خسارت‌های وارد شده بر اسلام را جبران می‌کند و اسلام را بر سراسر زمین مسلط می‌گرداند.^۱

۴-۳ مهدویت در دیدگاه شیعه

شیعه بر اساس تفاسیر مختلف از آیات قرآن و نیز روایات پرشمار و معتبر، وجود مهدی(عج) را به عنوان اصلی اعتقادی پذیرفته است. طبق روایات مهدویت در شیعه، وعده الهی در زمان ظهور مهدی(عج) محقق خواهد شد؛ زیرا اراده الهی بر این قرار گرفته است که وعده الهی به دست مهدی در جهان برقرار شود.^۲ مهدویت در اندیشه شیعه، آرمان همه انبیاء و هدف والای اولیاء و مجاهدان راه حق و فضیلت است. ویژگی دوران ظهور مهدی(عج)، آگاهی عمیق مردم از حقایق و معارف دین الهی و انتشار گسترده آن است. هدف اصلی بعثت انبیاء گسترش عدالت و توحیدمحوری در جهان است. هیچ‌یک از فرستادگان خدا به این آرمان دست نیافتند؛ اما حکمت الهی بر این قرار دارد که این آرمان والا روزی محقق شود. از این رو، مهدویت نه تنها مقصود اسلام؛ بلکه آرمان همه بشریت و هدف والای حق تعالی از ارسال پیامبران است.

بنابر روایات موجود در منابع شیعی، مهدی(عج) امام دوازدهم، از سلسه فرزندان امام حسین(ع)، همانام پیامبر(ص) است. خدای تعالی به حکم حکمت خود زمین را خالی از حجت خود قرار نمی‌دهد و مهدی(عج) آخرین حجت خداست که پس از یازده امام، که همگی به شهادت رسیده‌اند، به طور ویژه و فراتر از توان نفوذ و تهدید همه بشریت، محافظت می‌شود. اگر بر روی زمین فقط دو تن باقی بمانند، یکی از ایشان، مهدی(عج) خواهد بود. دوره غیبت او چنان دشوار است که بسیاری از مردم در اصل وجود او تردید می‌کنند. غیبت او

^۱ ابن اثیر جزری، النهایه فی غریب الحدیث، ج ۱، ص ۲۷

^۲ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۶۴ - ۴۴.

به معنای محبوس بودن در مکانی ناشناخته نیست؛ بلکه او در دنیا و در میان مردمان حضور جسمانی دارد؛ اما مردم او را نمی‌شناسند. او همانندی در میان مردم دنیا ندارد و علم، فضل، زهد، طهارت، بندگی، فهم و ... را به تمام معنا داراست. او همه رسوم جاهلی را از چهره اسلام می‌زداید. در حکومت خود، همه حقوق را عادلانه تقسیم و در میان مردم به عدل و قسط حکم می‌کند. او با پیروان هر دینی بر اساس دین خودشان رفتار می‌کند و اموال دنیا از درون و بیرون زمین در محضر او حاضرند. پرچم او پرچم رسول خدا (ص)، انگشترش انگشتر سلیمان (ع) و عصایش، عصای موسی (ع) است.^۱

۴ - ۴ غیبت امام مهدی (عج)

پیامبر اکرم (ص) درباره دوازده جانشین خود با مردم سخن گفته بود و امام مهدی (عج) را به عنوان آخرین امام و قیام‌کننده علیه ظلم و برپا کننده عدل در جهان معرفی کرده بود. از این رو حاکمان بنی عباس قصد داشتند مهدی موعود (عج) را به محض تولد به قتل برسانند. بدین ترتیب خداوند آخرین ذخیره و حجت خود را از نظرها پنهان کرد تا امامت به شیوه‌ای جدید و از پس پرده غیبت ادامه یابد. این غیبت تا زمانی که جامعه انسانی شایستگی درک ظهور و بهره مندی کامل از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کند ادامه خواهد یافت. امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید:

زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند. اما خداوند، به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده

روی‌شان در گناه، آنان را از وجود حجت در میانشان بی‌بهره می‌سازد.^۲

وجود حجت (امام) در میان مردم یک نعمت الهی است، بدیهی است که اگر مردم نعمتی که خدا به آنها داده است را درست استفاده نکنند، خدا آن نعمت را از آنان می‌گیرد، به عبارتی

^۱ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۱۹.

^۲ الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۲.

دیگر زمینه ساز هلاکت یا سربلندی یک جامعه، کردار مردم آن جامعه است. هر عضوی از افراد جامعه قدرت اختیار دارد و هر جامعه‌ای مسئول سرنوشت خویش است. در قرآن کریم در ارتباط با همین مورد آمده است:

خداوند نعمتی را که به قومی ارزانی کرده است، تغییر نمی‌دهد. مگر آنکه آنها خود وضع خود را تغییر دهند. همانا که خداوند شنوا و داناست.^۱

۴ - ۵ امامت حضرت مهدی(عج) در عصر غیبت

امام مهدی(عج) را غایب نامیده‌اند و این بدین معناست که ایشان از نظرها غایب است و نه این‌که در جامعه حضور ندارد، این انسان‌ها هستند که او را نمی‌بینند، به عبارتی دیگر غیبت به معنی عدم حضور نیست، بلکه روایات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد ایشان به اذن خداوند از احوال انسان‌ها آگاه است، امام علی(ع) فرموده‌اند:

حجت خداوند میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابان‌ها عبور می‌کند... به نقاط مختلف می‌رود، سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند... تا اینکه زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی فرا رسد. هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی و پیروان اوست.^۲

از حدیث بالا نتیجه می‌شود که امام زمان(عج) در جامعه حضور دارد و جامعه را رهبری می‌کند، نامه امام عصر(عج) به شیخ مفید نیز نشان می‌دهد که ایشان سرپرست، حافظ و یاور مسلمانان است و ولایت معنوی پیروان خود را بر عهده دارد:

^۱ سوره انفال، آیه ۵۳

^۲ الغیبه، نعمانی، ص ۱۴۴

ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست.

۴-۶ ویژگی‌های حضرت مهدی(عج) و علت غیبت

در روایاتی در منابع شیعه ویژگی‌هایی را برای ایشان برشمرده‌اند که شباهت‌هایی با برخی انبیاء دارد. به عنوان نمونه، در روایتی آمده است که آن حضرت همانند موسی(ع) نگران؛ همانند عیسی(ع) در سیاحت در پهنه‌های دنیا؛ همانند یوسف(ع) ناشناخته؛ و همانند محمد(ص) در پیکار با سرکردگان کفر است.^۱

راز نهایی و اصلی غیبت مهدی فقط بر خدای تعالی آشکار است و امت مسلمان براساس حکمت الهی آن را می‌پذیرد. البته موضوعاتی از جمله ضرورت حفظ جان آن حضرت نیز مطرح شده است. پیامبر اسلام(ص) در این باره چنین می‌فرماید:

فرزندم (مهدی) چاره‌ای جز غیبت ندارد. پرسیدند چرا؟ فرمود: به علت ترس از کشته شدن.^۲

این ترس، ترسی شخصی نیست؛ بلکه دلیل آن پرهیز از ناتمام ماندن برنامه هدایت عام الهی و محرومیت بشریت از کمال و سعادت است که مهدی نویدبخش آن است. علت دیگر غیبت امام مهدی(عج)، آزمایش انسان‌های دوران غیبت است. این امتحان برای روشن شدن میزان پایداری و خلوص مردمان دوران است. امام کاظم(ع) چنین می‌فرماید:

مراقب دین خود باشید. بدانید که مهدی چاره‌ای جز غیبت ندارد و این امتحانی است سخت که در آن مومنان خالص و ثابت‌قدم سرافراز می‌شوند.^۳

^۱ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸

^۲ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۰

^۳ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳

۴- ۷ آیات مرتبط با عصر مهدوی

خداوند در سوره نور، آیه ۵۵ در مورد وعده قطعی خود به مومنان صالح فرموده است:

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که آنها را در زمین جانشین قرار دهد، همان‌طور که قبل از آنان کسانی را جانشین قرار داد و دیشان را که برای آنان پسندیده، مستقر سازد و بیم و ترسشان را به امنیت مبدل سازد. [به گونه ای که دیگر] مرا بپرستند و به من شرک نورزند.

بنابر آیه فوق وعده خداوند به مومنان صالح شامل چند اصل اساسی است: حاکمیت آنها در زمین در پایان تاریخ، استقرار دین پسندیده برای آنها و تبدیل ناامیشان به امنیت و آرامش که ثمره تمامی آنها عبادت خالصانه برای خداوند خواهد بود. این وعده الهی زمانی محقق می‌شود که امام عصر (عج) ظهور کند و تشکیل چنین شرایطی فقط در سایه حکومت مهدوی امکان پذیر خواهد بود. حکومت مهدوی حکومتی است که در آن امنیت کامل وجود خواهد داشت و زمینه رشد و کمال برای همگی افراد فراهم خواهد بود.

در آیه ۵ سوره قصص نیز در مورد وعده قطعی خداوند به مستضعفان آمده است:

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان مردم قرار دهیم و آنان را وارثان زمین قرار دهیم.

در آیه ۱۰۵ سوره انبیا، پیش‌بینی خداوند درباره‌ی آینده بندگان شایسته چنین است:

به راستی در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته‌ایم که زمین را بندگان شایسته‌ی من به ارث می‌برند.

واضح است که سنت و قانون الهی بر این قرار گرفته تا بندگان صالح در آینده وارث و حاکم بر زمین باشند و این موضوع در ادیان گذشته نیز ذکر شده است. آیات فوق نشان دهنده آینده

روشن تاریخ می‌باشد که با ظهور امام عصر(عج) واقع خواهد شد.

۴- ۸ ویژگی‌ها و اهداف جامعه مهدوی

اهداف جامعه‌ی مهدوی با اهداف تمامی انبیاء مشترک است، چند نمونه از آن عبارت‌اند از:

الف) گسترش عدالت

یکی از اهداف ارسال پیامبران، برقراری عدالت در جامعه است. در یک جامعه‌ی مهدوی، طبقه مستکبر و طبقه مستضعف وجود ندارد. در حدیثی از پیامبر اکرم(ص) می‌خوانیم:

با ظهور امام عصر(عج)، خداوند زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد، بعد از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد.^۱

از ویژگی‌های منحصر به فرد دوران حکومت حضرت مهدی(عج) استقرار عدالت اجتماعی، در تمام زوایای زندگی جامعه بشری است. لطافت و نسیم زندگی‌ساز عدالت اجتماعی در عصر ظهور، طبق حدیث امام صادق(ع)^۲ تا اقصی نقاط جهان و منازل مردم، نفوذ کرده و مأمین و مسکن آنان را گرما و حرارت خاص خواهد بخشید و در پرتو لطافت عدالت اجتماعی است که دین و دنیای مردم، حیات انسانی و زندگی معنوی جوامع بشری، جان تازه خواهد گرفت. در حدیثی از امام باقر(ع) می‌خوانیم:

امام زمان(عج) آن‌چنان میان مردم مساوات برقرار می‌کند که نیازمندی پیدا نخواهد شد تا به او زکات داده شود.^۳

^۱ کفایة الأثر، ص ۶۰

^۲ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲

^۳ اصفهانی(مجلسی دوم)، ج ۵۲، ص ۳۹۰

ب) امنیت کامل

در آن دوران اگر کسی از شرق یا غرب عالم، شب یا روز، و به تنهایی به سمت دیگر حرکت کند، احساس ناامنی و ترس نمی‌کند، از دزدی اموال و ثروت دیگران خبری نیست.

ج) شکوفایی عقل و علم

این دوران، زمان کامل شدن عقل‌های آدمیان است. با لطف و توجه ویژه‌ای که امام زمان(عج) به همه‌ی انسان‌ها می‌کند، عقل آنان کامل می‌شود. شکوفایی عقل رسالت همه انبیاء بوده است. مردم در عصر ظهور در اثر تجربه و بلوغ تاریخی، آمادگی لازم برای تکامل عقول را خواهند داشت. امام عصر(عج) رسالت خویش را با تکامل عقول انسان‌ها آغاز می‌کند.

د) فراهم شدن زمینه رشد و کمال

خداوند در آیه ۵۶ سوره ذاریات می‌فرماید:

و جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا پرستند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).

در جامعه مهدوی زمینه رشد و تکامل همه افراد فراهم است. آدمیان بهتر می‌توانند خدا را بندگی کنند و به هدفی که خداوند در خلقت برای آنها تعیین کرده، بهتر و آسان‌تر می‌رسند.

۴- ۹ انتظار فرج و اهمیت آن

«انتظار» به معنی امید و چشم به راه بودن و «فرج» به معنی گشایش و رهایی دانسته شده است. انتظار فرج، چشم به راه بودن برای ظهور حضرت مهدی(عج) است، که ظهورش را موجب گشایش و برپایی صلح و عدالت در همه جهان دانسته‌اند. در احادیث معصومان انتظار

فرج، برترین و محبوب‌ترین عمل^۱ و شرط پذیرش سایر اعمال شمرده شده است.^۲ رسول گرامی اسلام(ص) می‌فرماید:

برترین عبادت، انتظار فرج است.^۳

همچنین در حدیثی دیگر از ایشان می‌خوانیم:

برترین جهاد امت من، انتظار گشایش است.^۴

در احادیث نقل شده که شخص منتظر، از اولیای الهی و برتر از افراد هر زمان بوده و در زمره اهل بیت(ع) محشور می‌شود.^۵ شخصی که در حال انتظار ظهور حضرت مهدی(عج) از دنیا برود، مانند کسی است که در کنار پیامبر اکرم(ص) شمشیر زده و به شهادت رسیده است.^۶

۴ - ۱۰ مؤلفه‌های انتظار

سه مؤلفه را می‌توان به عنوان بنیان‌های اساسی انتظار برشمرد:

الف) قانع نبودن به وضع موجود

بدون تردید وضع موجود در عصر غیبت، دارای کاستی‌هایی است که هر انسان کمال‌طلب را ناراضی خواهد کرد. این کاستی‌ها به طور عمده ناشی از عدم حضور ظاهری امام است. این پنهان بودن باعث شده تا جامعه بشری از فواید ظاهری حضرت مهدی(عج) بی‌بهره باشد.

^۱ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۳

^۲ نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰

^۳ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷

^۴ تحف العقول، ص ۳۷

^۵ کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۶

^۶ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۸

یک منتظر راستین، کسی است که وضع موجود را بر نمی‌تابد و بر خود لازم می‌داند همه‌ی عواملی که باعث غیبت آن حضرت شده است را به اندازه توان خود برطرف کند.

ب) امید دستیابی به وضعیت مطلوب

غیبت آخرین پیشوای معصوم، سبب می‌شود برخی راه‌های کمال بر انسان و جامعه بسته شود. امید دستیابی به وضعیتی بهتر، انسان را از رکود و خمودگی برحذر داشته و او را به تلاش در راه رسیدن به وضع مطلوب وامی‌دارد. در این صورت، اگر به دلایلی به وضع مطلوب هم نرسید، به دلیل اهتمام و سعی او، خداوند تعالی پاداش کسانی را که آن دوران را درک می‌کنند به او خواهد داد.

ج) یقین به ظهور امام غایب

کسی که به ظهور امام غایب یقین ندارد، در انتظار نیز نخواهد بود؛ بلکه انتظار برای او بی‌معنا خواهد بود، هر قدر آگاهی و یقین شخص به ظهور امام علیه السلام بیشتر و عمیق‌تر باشد، انتظارش به آن، بیشتر است. اگر شک و تردیدی در اصل وقوع آن داشته باشد یا اعتقادش به آن سست و ضعیف باشد، انتظارش هم به همان اندازه سست خواهد بود.

۴- ۱۱ انواع انتظار

انتظار فرج دو گونه است: انتظاری که سازنده است، تحرک بخش است، تعهدآور است، عبادت، بلکه با فضیلت‌ترین عبادت است، و انتظاری که ویرانگر است، بازدارنده است، فلج کننده است. اکنون به تشریح این دو نوع انتظار می‌پردازیم:

الف) انتظار ویرانگر و تفکر شبه دیالکتیکی

برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها و تبعیض‌ها و تبااهی‌ها ناشی

می‌شود؛ نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آنگاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه‌تاز میدان گردد و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت نه اهل حقیقت؛ زیرا حقیقت طرفداری ندارد از آستین بیرون می‌آید. هر اصلاحی محکوم است، زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است؛ تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست، دست غیب ظاهر نمی‌شود.

برعکس، هرگناه و فساد و ظلمی به حکم اینکه مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب‌الوقوع می‌کند رواست. این نوع از برداشت از آن جهت که با اصلاحات مخالف است و فسادها را به عنوان مقدمه یک انفجار مقدس، مطلوب می‌شمارد باید «شبه دیالکتیکی» خوانده شود. با این تفاوت که در تفکر دیالکتیکی با اصلاحات از آن جهت مخالفت می‌شود که شکاف وسیع‌تر شود؛ ولی این تفکر عامیانه فاقد این مزیت است؛ فقط به فساد و تباهی فتوا می‌دهد که خودبه‌خود منجر به نتیجه مطلوب می‌شود.

این نوع برداشت از ظهور و قیام مهدی موعود که منجر به نوعی تعطیل در حدود و مقررات اسلامی می‌شود به‌هیچ‌وجه با موازین اسلامی و قرآن وفق نمی‌دهد.

ب) انتظار سازنده

این نوع انتظار بر مبنای این اندیشه است که ظهور مهدی موعود حلقه‌ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. همچنان که در آیات این فصل بیان شد؛ مهدی موعود (عج) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، ظهور مهدی موعود منتهی است بر مستضعفان، و وسیله‌ای است برای پیشوا شدن آنان، و مقدمه‌ای است برای وراثت آنها از خلافت الهی روی زمین و تحقق بخش وعده‌ای است که خداوند متعال از قدیم‌ترین زمان‌ها در کتب آسمانی به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن آنان است و پایان تنها به متقیان تعلق دارد.

۴- ۱۲ وظایف منتظران

از جمله موضوعاتی که همواره شیعیان در دوران غیبت کبری خواهان فهم آن هستند، شناخت وظایفی است که در این دوران به عهده آنان گذاشته شده است، برخی از این وظایف عبارت‌اند از:

الف) معرفت نسبت به حضرت مهدی(عج)

پیامبر اکرم(ص) فرمود:

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.^۱

توجه به مضامین دعاهایی که خواندن آنها در عصر غیبت توصیه شده است نیز ما را به اهمیت موضوع شناخت حضرت مهدی(عج) راهنمایی می‌کند. در یکی از دعاها معروف و معتبری که شیخ صدوق آن را در کتاب کمال‌الدین نقل کرده است می‌خوانیم:

بارالها! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من شناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت. بارالها! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من شناسانی حجت تو را نخواهم شناخت. بارالها! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجت خود را به من شناسانی از دینم گمراه می‌گردم.^۲

ب) تهذیب نفس و اصلاح فردی

یکی از وظایف مهم منتظران دولت حق، آراستگی به اخلاق خوب و پسندیده است. امام صادق(ع) فرمودند:

^۱ بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۶۸

^۲ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۵۱۲

هرکس شادمان می‌گردد از اینکه از یاران حضرت مهدی(ع) باشد، باید منتظر باشد و به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید و او منتظر واقعی است.^۱

ج) تمسک به ریسمان ولایت اهل بیت(ع)

ولایت اهل بیت(ع) دو گونه است: ولایت تکوینی و ولایت تشریعی. ولایت تکوینی بدین معناست که آنها به اذن و اراده الهی می‌توانند در مقام تکوین و عینیات خارجی، دخل و تصرف کنند و ولایت تشریعی به معنای سرپرستی جامعه مومنین است. از جمله وظایف منتظران در زمان غیبت، چنگ زدن به ریسمان ولایت اهل بیت(ع) است. امام صادق(ع) فرمودند:

خوشا به حال شیعیان ما! آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان ولایت ما تمسک می‌جویند.^۲

در احادیث بسیاری نیز ثابت قدم ماندن در مسیر ولایت اهل بیت(ع) پاداشی بسیار دارد؛ امام سجاد(ع) فرمودند:

هرکس در غیبت قائم ما بر دوستی و عقیده به امامت ما ثابت قدم باشد، خدای متعال اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد به او عطا می‌کند.^۳

د) اصلاح اجتماعی

یکی از وظایف مهم مردم در دوران غیبت کبری، داشتن روحیه اصلاح‌گری در سطح جامعه است. هر فردی باید خود را در برابر آحاد جامعه اسلامی موظف بداند و در راه اصلاح و

^۱ غیبت نعمانی، ص ۲۰۰، ج ۱۶

^۲ همان، ج ۲، باب ۳۴، ح ۵

^۳ همان، ج ۱، ص ۴۳۹

ساختن افراد تلاش نماید تا جامعه و افراد آن آماده پذیرش حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) شوند. امام باقر(ع) فرمود:

توانمندان شما باید به ضعیفان کمک کنند و اغنیاء شما باید به فقرایتان مهربانی کنند، هر کس باید برادر دینی اش را نصیحت کند، نصیحتی که به نفع برادرش باشد.^۱

ه) اجرای احکام و برنامه‌های اسلام

یکی از وظایف منتظران، استخراج احکام و برنامه‌های اسلامی و اجرای آن به‌طور کامل است تا به وسیله‌ی آن با مشکلاتی مثل فقر و بیکاری مبارزه نمایند، و با اجرای قوانین نورانی اسلام جلوی ظلم و ستم را حتی المقدور بگیرند و نتایج درخشان آن را به‌گونه‌ی عملی در پیش جهانیان مجسم سازند تا دل‌های آماده مردمان جهان به سوی یاری حضرت مهدی(عج) جذب شود.

و) تحصیل دانش و تقویت توان دفاعی

جدیّت در تحصیل علم و دانش از دیگر وظایف منتظران است تا نه تنها خودشان را به کاروان تمدن بشری برسانند؛ بلکه از هر جهت بر جهانیان تقدم جویند. همچنین با استفاده از احکام و قوانین اسلامی یک دولت نیرومند و مقتدر اسلامی به وجود آورند و به عنوان یک ملت متمدن و نیرومند در عرصه گیتی ظاهر شوند؛ و پیوسته در تقویت نیروی دفاعی و تحکیم قوای نظامی بکوشند. امام صادق(ع) فرمودند:

خودتان را برای ظهور و نهضت قائم ما آماده سازید، ولو به ذخیره کردن یک تیر باشد.^۲

^۱ بشاره المصطفی لشيعه المرتضى، عماد الدين طبري الأملی الكنعي، چاپ نجف اشرف، ص ۱۱۳

^۲ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶

۴- ۱۳ آثار انتظار

فرد چشم به راه و منتظر همواره منتظر چیزی یا کسی است؛ منتظر حادثه‌ای خوب یا بد است. پس انتظار همواره متعلقی دارد. اگر متعلق انتظار شخص منتظر، امری مثبت و مورد پسند و رضایت و خوش‌آیند او باشد، در او ایجاد امید و آرزو می‌کند و به او قوت روحی و معنوی می‌بخشد، به گونه‌ای که رنج‌ها را فراموش می‌کند و هر اندازه حادثه مورد انتظار برای انسان منتظر مهم‌تر باشد، مشعل امید در قلب او فروزان‌تر می‌شود، به وجود او گرمی بیشتری می‌بخشد، تلاش و تکاپو را در حیات او افزون می‌کند و زندگی شخصی معنادارتر می‌شود، یعنی هدفمندتر و باارزش‌تر می‌گردد و گاه به جایی می‌رسد که آن رویداد بزرگ‌ترین غایت و هدف زندگی او، و وصول به آن هدف مهم‌ترین آرزوی اوست و مسیر زندگی او را تعیین می‌کند.

انسان منتظر مهدی، یعنی انسانی که امید دارد تحت ولایت او قرار گیرد؛ انسانی که از وضع موجود خویش و جامعه‌اش ناخرسند است و وضع بهتری را از جنبه‌ی فردی و اجتماعی آرزو می‌کند. در انتظار و امید به آینده‌ای روشن و رشدآفرین است که بسیاری از نیازهای روحی و جسمی انسان‌ها پاسخ داده می‌شود. آدمی در پرتو انتظار و امید، رنج‌ها و گرفتاری‌ها را تحمل می‌کند و با کشتی امید و آرزو در دریای پر تلاطم زندگی، به سلامت به سیر خود ادامه می‌دهد. پس اگر کسی به راستی به همه‌ی شرایط انتظار پایبند باشد؛ آثاری تربیتی برای وی در پی خواهد داشت.

۴- ۱۴ وحدت و همگرایی منتظران

انتظار افزون بر آثار فردی، دارای آثار اجتماعی فراوانی نیز است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به وحدت، انسجام و همدلی بین منتظران اشاره کرد. این همدلی به سبب توجه به هدف مشترکی است که در مسأله انتظار به روشنی تمام در چشم‌انداز آن، قابل دیدن است. در جامعه

شیعی، انتظار ظهور مردی از نسل رسول گرامی اسلام(ص) باعث شده است همه‌ی پیروان این آرمان مقدس، از همدلی بسیار خوبی برخوردار باشند.

۴- ۱۵ انتظار و معناداری زندگی شیعیان

معناداری زندگی یکی از مباحث مهم دنیای جدید است. انسان طبیعت را مسخر خویش کرده و به کرات آسمانی راه یافته است؛ اما نمی‌تواند معنای زندگی را در عالم ماده کشف کند. از این‌رو خود را نیازمند حقیقتی غیرمادی و ماورای عالم ماده می‌بیند تا با دل بستن به آن، گشوده‌ی حیات خویش را بیابد و به زندگی‌اش معنا بخشد. خداوند در سوره انفال، آیه‌ی ۲۴ می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید.

بدین ترتیب، خداوند معنای زندگی را در اجابت از فرستادگان خویش قرار داده است؛ انسان منتظر، سمت و سوی زندگی خویش را تحت ولایت امام معصوم قرار می‌دهد و به دنبال آن از آن حیات معنادار و طیبه‌ای که در قرآن کریم ذکر شده بهره‌مند خواهد شد.

۴- ۱۶ ارتباط میان هدایت الهی و انتظار

مراد از انتظار، حفظ ارتباط امت با هدایت الهی از طریق امام است. مکتب شیعه این ارتباط را با تکیه بر آموزه‌های قرآن و روایات نبوی حفظ می‌کند. بر خلاف ادیانی مانند یهود و مسیحیت که در آن ارتباط میان نبی و امت قطع شده است؛ در اسلام، پس از رسول خدا(ص)، ارتباط هدایت از طریق امامان معصوم(ع) و در نهایت از طریق آخرین امام برقرار است. این ارتباط همان انتظار همراه با ولایت است، نه انتظار صرف. همه ادیان و حیانی الهی به حقیقت

توحید اشاره دارند؛ اما استمرار هدایت به سوی توحید، که با ولایت و استمرار مهدویت ادامه می‌یابد و در جهان به شکلی پویا و مستمر منتشر می‌شود، ویژگی شیعه است.

۴- ۱۷ انتظار در اسلام و دیگر ادیان

در باورهای مکاتب و ادیان، در برابر ظلم و انحراف جامعه انسانی از مسیر حقیقی و کمال، نوعی شکوه دیده می‌شود. بر این اساس، مفهوم انتظار ظاهر می‌شود که معنای آن واگذاری اصلاح کارهای عالم به خداست. در این دیدگاه، کار عالم از دست انسان خارج شده و اصلاح و هدایت آن فقط در توان خداست. در آیینی مانند ویشنو، خداوند در زمان‌های فترت که دوره فقر دین و غلبه ظلم است، بر زمین نزول می‌کند، ریشه ظلم را برمی‌کند و عدالت را برقرار می‌کند. این مفهوم با تفاوت‌هایی در آیین‌های وحنانی، از جمله اسلام نیز وجود دارد و با عباراتی ابراز شده است که گویای تحقق اراده خدا بر زمین با ظهور مهدی، تجلی خدا در زمین و رشد انسان همراه با اطاعت از خدای تعالی است.

۴- ۱۸ تجلی حق، جوهره اصلی مهدویت

در فرهنگ شیعی، «ظهور حق» در جهان، کانون و جوهره اصلی مهدویت است. این مفهوم در آیات قرآن کریم و روایات منقول از پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) آمده است. کلام آنها فقط پیشگویی نیست؛ بلکه منبعث از وحی و علم غیب و آگاهی ملکوتی از ابعاد هستی و آرمان حقیقی جوامع انسانی است. در این نگاه، انتظار، ماهیت حقیقی خود را از معنای خاص و ناب ظهور مهدی(عج) می‌یابد. همچنین ظهور به معنای تجلی تام خدا در زمین است. همه‌ی آن چیزی که در طول تاریخ از کرامات انسانی و جلوه‌های اراده الهی و هدایت الهی به صورت کوتاه ظهور یافته است، فقط بخشی از تبلور چیزی است که خدای تعالی در دوران ظهور

^۱ ایونس، اساطیر هند، ص ۷۹

مهدی(عج) وعده داده است. در این فرهنگ، حق هم به معنای آگاهی مطابق با واقع و هم به معنای امر ثابت و زوال ناپذیر است؛ بنابراین، در دوران ظهور مهدی(عج) حقایق ثابت الهی در همه ابعاد و در تمام گستره حیات فردی و اجتماعی انسان ظهور می‌یابد. در یک کلام، دوران ظهور مهدی(عج)، دوران ظهور حق در زمین در همه ابعاد علمی و عملی است. علامه طباطبائی، برای توصیف این مفهوم از واژه «ایام‌الله» بهره می‌برد و چنین می‌گوید:

سه مرحله در سرنوشت هستی به «ایام‌الله» نامبردارند؛ نخست ظهور مهدی، دوم رجعت و سوم قیامت. در این سه روز، به مراتب ویژه، خدای تعالی در پهنه هستی جلوه خواهد کرد.^۱

۴- ۱۹ عصر مهدوی، دوران شناخت حقایق و معارف

یکی از ویژگی‌های عصر مهدوی این است که مهدی موعود، حقایق هستی را به مردم ابلاغ می‌کند. این حقایق عبارت‌اند از: مطالب مربوط به ابعاد آفرینش هستی؛ حقایق موجود در آیات و روایات درباره ابعاد آشکار و نهان انسان؛ راه سعادت و کمال؛ و چیرستی و چگونگی حیات اخروی. مهدی(عج) این معارف و حقایق را به گونه‌ای بیان می‌کند که موجب رشد و کمال عقلی انسان‌ها خواهد شد. همچنین در دوران حکومت مهدوی، موضوعاتی چون معرفت به دقایق عالم آفرینش، معرفت به ذات و صفات و افعال و اسماء خدای تعالی، معرفت به پیامبر و مراتب علم و اعجاز ایشان و در برترین مرتبه، ولایت کلی الهی معصومین به عنوان جانشینان حقیقی حق تعالی در زمین به روشنی تبیین و تشریح می‌شود. در آرمان‌شهر مهدوی، حقایق عالم ملکوت و عرش و لوح و قلم و... به شایستگان آموخته می‌شود.

^۱ طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۱۰۹ و ج ۱۲، ص ۷۵

در حکومت مهدوی، حقیقت انسان برای بشریت آشکار می‌شود، همان حقیقتی که تا آن دوران زیر غبار هوی پرستی و ظلم به دست خود انسان ناشناخته بود. یکی از موضوعات مهم انسان‌شناختی در دوران‌های گذشته و امروز، ترکیب انسان از جسم و روح و چگونگی ارتباط این دو جنبه متفاوت با یکدیگر است. امروزه مکاتب مختلفی تلاش می‌کنند انسان را به ماده مرکب دقیقی تفسیر کنند که نیازی به فراماده و روح ندارد؛ اما در مقابل با پرسش‌هایی اساسی مواجه‌اند که از افق علم و تجربه بشری فراتر است. در دوران حکومت مهدوی، انسان به عنوان برترین مخلوق الهی، به خود انسان شناسانده می‌شود تا از این طریق به ارتباط خود با ولی الهی و سپس حق تعالی پی ببرد.

۴- ۲۰ آینده جهان و ارتباط آن با حکمت الهی

هدایت، قانون عمومی الهی است و همه مخلوقات خدا را شامل می‌شود؛ در نظام هدایت الهی و در مسیر دستیابی به کمال حقیقی، انسان با امتیاز ویژه‌ای به نام «وحی» پشتیبانی می‌شود. اگر انسان به کمال حقیقی خود نرسد، وجود وحی بیهوده است و از طرفی کار عبث در اراده و فعل خدای تعالی راه ندارد، پس باید روزی باشد که انسان و جامعه انسانی به کمال و سعادت حقیقی و شایسته خود برسند. از نخستین روز آفرینش، انسان آرزوی سعادت و انگیزه حرکت به سوی آن را داشته است. این کشش امری تکوینی است که آفریننده حکیم در وجود انسان تعبیه کرده است. اگر این هدف و مطلوب باطنی انسان امکان تحقق نداشت، نهادن میل به کمال‌گرایی و سعادت جاودان در وجود او بیهوده بود. بنابراین، آینده جهان به ضرورت مبتنی بر حکمت الهی، روزی را خواهد دید که آرمان والا و ویژه انسان؛ یعنی کمال و سعادت و قرب حق تعالی، در پهنه هستی ظاهر و برقرار می‌شود.

۴- ۲۱ حضرت مهدی(عج) و هدایت باطنی

برای پرداختن به مفهوم هدایت باطنی و قلبی افراد توسط امام مهدی(عج)، ابتدا باید نگاهی به مفهوم «امامت» داشته باشیم؛ علامه طباطبائی ذیل آیه‌ی امامت اعطایی به حضرت ابراهیم(ع) می‌نویسد:

امام کسی است که مردم او را اسوه و پیشوای خویش بدانند.^۱

در این تعریف بر اسوه و مقتدا بودن امام تاکید شده است؛ هدایت امام هدایتی حقیقی است که انسان را به حق و سرمنزل مقصود می‌رساند، از این‌رو در قرآن هر جا سخن از امامت صالحان است، هدایت نیز همراه آن به عنوان قید تفسیری آمده است. آدر قرآن کریم، سوره سجده، آیه‌ی ۲۴ آمده است:

و چون [بنی‌اسرائیل] شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند.

در این آیه بر انتصاب پیشوایانی تاکید شده است که هادیانی به سوی حق بودند. علامه طباطبائی در ادامه می‌نویسد:

امام راهنمایی است که به امر ملکوتی همراهانش را هدایت می‌کند. پس امامت به حسب باطن گونه‌ای ولایت بر مردم در اعمالشان است و هدایت امامان به گونه‌ای است که آنان را به امر الهی به مطلوبشان می‌رساند و تنها نشان دادن راه نیست... پس امام باید انسانی باشد که به یقین رسیده و عالم ملکوت برای او مکشوف باشد-ملکوت وجه باطن این

^۱ طباطبائی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۲۶۶

^۲ همو، ۲۶۷

عالم است- پس اینکه خدای سبحان می‌فرماید: «به امر ما هدایت می‌کردند» بر اموری دلالت دارد که متعلق به امر هدایت است و آن همان قلب‌ها و اعمال امت است... پس امام بر قلب‌ها و امت خویش احاطه‌ی علمی و ولایی دارد و به عبارت دیگر، احاطه‌ی باطنی دارد. با این تفسیر، نقش امامت منحصر به حکومت ظاهری امام نمی‌شود، بلکه او بر قلب‌ها حکم می‌راند و قلب‌های مستعد را به سوی خویش می‌کشاند تا آنان را بر سبیل سعادت راهنما باشد.^۱

۴- ۲۲ یاران حضرت مهدی (عج)

مطابق با روایات، خداوند حضرت مهدی (عج) را توسط نیروی‌های مختلفی از جمله: «مومنین، فرشتگان، رعب و ترس» یاری می‌دهد. تعداد نیروهای حضرت از نظر انسانی منحصر در سیصد و سیزده نفر نیستند؛ بلکه این تعداد، یاران مخصوص آن بزرگوار هستند که نهضت خود را با آنان آغاز می‌کند و تا نیروهای آن حضرت به ده هزار نفر نرسد، آغاز به جنگ نخواهد کرد.^۲ علاوه بر این، عده‌ای دیگر که همراه حضرت عیسی (ع) به زمین فرو می‌آیند و همچنین عده‌ای که به برکت حضرت مهدی (عج) از قبرها برمی‌خیزند، از یاران آن حضرت محسوب می‌شوند.

الف) یاران خاص آن حضرت

آنها اولین کسانی هستند که بعد از جبرئیل (ع)، با حضرت مهدی (عج) بیعت می‌کنند. آنها در یک لحظه، از اطراف عالم خود را به امام زمان (عج) می‌رسانند و پس از پیروزی و تشکیل حکومت واحد جهانی، حاکمان و فرمانروایان آن حضرت در مناطق مختلف هستند و تعدادشان هنگام ظهور ۳۱۳ نفر است.

^۱ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱، ۲۶۸

^۲ منتخب الاثر، ص ۴۷۵

امام جواد(ع) فرمود:

یاران او به عدد اصحاب بدر سیصد و سیزده تن می باشند و از دورترین نقاط جهان گرد او جمع می شوند، این فرموده خداوند است که «هرجا باشید خداوند همه شما را گرد هم می آورد که او بر هر چیز تواناست».^۱ چون این تعداد از مردم زمین گرد او جمع شوند، او ظهور می نماید و چون شمار یارانش به ده هزار رسد، به اذن خداوند خروج می نماید و پیوسته دشمنان خدا را به هلاکت می رساند.^۲

ب) یاران مطلق آن حضرت

آنها طبق روایات وارده متعدده زیاد هستند، از جمله: حداقل ده هزار نیروی انسانی فرشتگان، جن، رعب و ترس، کسانی که از قبر برمی خیزند، اصحاب کهف، خوانندگان دعای عهد، حضرت الیاس، خضر و عیسی(ع).
امام باقر(ع) فرمود:

گویا حضرت مهدی(عج) و یارانش را می بینم که فرشته جبرئیل در سمت راست مهدی و میکائیل در سمت چپ حضرت حرکت می کنند و ترس و وحشت پیشاپیش سپاهیان و پشت سر آنان به فاصله ی یک ماه در حرکت است و خداوند حضرتش را با پنج هزار فرشته ی آسمانی یاری می کند.^۳

۴- ۲۳ ویژگی های یاران امام مهدی(عج)

ویژگی یاران آن حضرت در روایات بسیاری ذکر شده است؛ حضرت علی(ع) فرمود:

^۱ سوره بقره، آیه ۱۴۸

^۲ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷

^۳ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳

یاران قائم (عج) جوان هستند و پیر در بین آنها نیست، مگر همچون سرمه‌ی چشم و نمک توشه، که ناچیزترین توشه‌ی مسافر نمک است.^۱

امام صادق (ع) فرمود:

هر یک از یاران حضرت مهدی (عج) برابر چهل نفر توانایی و قدرت دارند و دارای قلبی قوی مانند پاره‌های آهن هستند.^۲

امام باقر (ع) فرمود:

گویی می‌بینم که یاران قائم (عج) جهان را محاصره کرده‌اند و همه موجودات مطیع و فرمانبردار آنها هستند؛ حتی درندگان صحرا و چرندگان و پرندگان و موجودات مختلف عالم، فقط خشنودی آنها را می‌خواهند، حتی بعضی از نقاط زمین مباحثات می‌کند بر بعضی دیگر و می‌گویند امروز یکی از یاران قائم (عج) بر روی من عبور کرد.^۳

۴ - ۲۴ نقش ایرانیان در ظهور حضرت مهدی (عج)

روایاتی که درباره‌ی ایرانیان از لسان معصومین (ع) نقل شده است، تحت عناوینی همچون: «قوم سلمان، عجم، اهل خراسان، یاران پرچم‌های سیاه، اهل مشرق زمین، اهل قم و اهل طالقان» آمده است. بنابر نظر مورخان و مفسران، مراد از این عناوین و عبارات مردم ایران هستند.

امیرالمومنین (ع) فرمودند:

^۱ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴

^۲ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰

^۳ الامامه و التبصره، ص ۱۳۱

گویا چادرهای عجم را می بینم که در مسجد کوفه برپا شده و در ایام حکومت مهدی (عج) قرآن را همانگونه که نازل شده است به مردم یاد می دهند.^۱

۴ - ۲۵ میراث پیامبران در نزد حضرت مهدی (عج)

در روایات متعددی، از وجود داشتن میراث پیامبران گذشته در نزد حضرت مهدی (عج) سخن به میان آمده است از جمله: علوم پیامبران و اوصیاء آنان، تورات و انجیل و کتب آسمانی دیگر، هفتاد و دو حرف اسم اعظم خداوند، پیراهن آدم، انگشتر سلیمان، عصای موسی، شمشیر رسول خدا (ص)، صحیفه جامعه، مصحف فاطمه، جفر سفید و جفر سرخ. امام باقر (ع) فرمود:

مهدی هنگام نماز عشاء ظهور می کند، در حالی که پرچم رسول خدا (ص) و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد.^۲

همچنین ایشان در حدیث دیگری فرمودند:

اسم اعظم خدا هفتاد و سه حرف است... و ما هفتاد و دو حرف از اسم اعظم داریم و یک حرف هم نزد خداست.^۳

۴ - ۲۶ نشانه های پیامبران پیشین نزد حضرت مهدی (عج)

در روایات متعددی، از نشانه های پیامبران گذشته در آن حضرت سخن به میان آمده است، امام زین العابدین (ع) فرمود:

۱ سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۶۵

۲ ابن حماد، ص ۹۵

۳ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۴

قائم ما اهل بیت (ع) از هفت پیغمبر، سنت مخصوص ایشان را با خود دارد، سنتی از آدم و سنتی از نوح و سنتی از ابراهیم و سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از ایوب و سنتی از محمد (ع). اما سنتی که از آدم و نوح دارد طول عمر او است، از ابراهیم پنهانی تولد و دوری از مردم را به ارث برده است، از موسی خوف و غیبت و از عیسی اختلاف عقیده مردم درباره وی، از ایوب فرج پس از گرفتاری و از محمد (ص) قیام با شمشیر را به ارث برده است.^۱

همچنین امام باقر (ع) فرمود:

آن نشانه‌ای که از محمد (ص) دارد، این است که سیره و روش آن حضرت را در پیش می‌گیرد و آثارش را تبیین می‌کند، سپس شمشیر بر شانه خود می‌گذارد و در هشت ماه دشمنان خدا را به قتل می‌رساند.^۲

۴ - ۲۷ نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج)

طبق روایات، نشانه‌های ظهور آن حضرت بر دو قسم است، نشانه‌های حتمی و نشانه‌های غیرحتمی؛ منظور از نشانه‌های حتمی آن است که تحقق و پدیدار شدن آن‌ها بدون هیچ قید و شرطی، قطعی و الزامی خواهد بود و منظور از نشانه‌های غیرحتمی، اموری هستند که در صورت فراهم بودن شرایط، به عنوان نشانه پدید می‌آیند.

۴ - ۲۸ بررسی نشانه‌های حتمی ظهور

نشانه‌های حتمی ظهور ۵ مورد هستند؛ امام صادق (ع) درباره‌ی نشانه‌های حتمی ظهور فرمود:

^۱ مهدی کیست، ص ۱۰۵

^۲ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸

پیش از قیام قائم (عج) پنج علامت حتمی است: یمانی، سفیانی، صیحه آسمانی، کشته شدن نفس زکیه و فرو رفتن بیداء.^۱

اکنون در این بخش به تفصیل به بررسی هرکدام از آنها خواهیم پرداخت.

الف) خروج سفیانی

پیش از قیام قائم (عج)، مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می‌کند و بخش گسترده‌ای از سرزمین‌های اسلام را به تصرف خویش در می‌آورد؛ درباره نام او در روایات به اختلاف سخن گفته شده است؛ در بعضی از آنها به نام «عثمان بن عنبسه» و در برخی دیگر به نام «عبدالله» و در برخی روایات دیگر تصریح شده که سفیانی چند نفر هستند. امیرالمومنین (ع) فرمود:

فرزند هند جگرخوار از وادی یابس خروج می‌کند، او مردی است چهارشانه و بدقیافه، دارای سری بزرگ، بر صورت او اثر آبله پیداست، وقتی او را نگاه کنی، پنداری که یک چشم دارد، نامش عثمان و پدرش عنبسه است، او از فرزندان ابوسفیان است، وارد سرزمین قرار و معین [شام] می‌شود و بر بالای منبر آنجا قرار می‌گیرد.^۲

امام باقر (ع) فرمود:

اگر سفیانی را مشاهده کنی، در واقع پلیدترین مردم را دیده‌ای وی دارای رنگی بور و سرخ و کبود و هرگز سر به بندگی خدا فرو نیاورده است.^۳

۱ کمال‌الدین و تمام النعمه، ص ۶۵۰

۲ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵

۳ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴

امام صادق (ع) فرمود:

سفیانی از نشانه‌های حتمی ظهور است و خروج او از آغاز تا انجام پانزده ماه به طول می‌انجامد، وی شش ماه کارزار می‌کند، همین که بر پنج شهر دست یافت، نُه ماه فرمانروایی می‌کند، بی آنکه روزی بر آن افزوده شود.^۱

ایشان در حدیث دیگری فرمودند:

از نشانه‌های حتمی ظهور خروج سفیانی در ماه رجب است.^۲

سفیانی به بسیاری از شهرها، از دمشق تا بغداد، کوفه، مدینه و مکه هجوم می‌برد و دست به کشتارهای وسیعی می‌زند. پیامبر (ص) فرمود:

سفیانی قیام می‌کند، در حالی که سیصد و شصت هزار [نفر] در اختیار او هست، می‌آید تا به شهر شام می‌رسد و در بین راه تمام شهرها با او بیعت می‌کنند از جمله سی هزار تن از طایفه کلب، پس سفیانی لشکری به عراق می‌فرستد و در زوراء (بغداد) صد هزار تن از جمعیت آن شهر را می‌کشد، آنگاه از آنجا به سمت کوفه می‌رود و کوفه را خراب می‌کند... لشکر دیگری از جانب سفیانی به سمت مدینه حرکت می‌کند و سه روز آنجا را مورد تجاوز قرار می‌دهند، آنگاه به سمت مکه حرکت می‌کنند، تا اینکه به سرزمین بیداء می‌رسند، جبریل (ع) از طرف خداوند مأموریت پیدا می‌کند و با اشاره به زمین، تمام این جمعیت را فرو می‌برد، مگر دو نفر که خودشان را به سفیانی می‌رسانند و او را از هلاکت لشکریانش آگاه می‌سازند...^۳

^۱ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۸

^۲ همان، ص ۲۴۹

^۳ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۸

آنچه از روایات نتیجه‌گیری می‌شود، این است که سفیانی به‌دست یکی از سپاهیان حضرت مهدی (عج) دستگیر می‌شود و وی را کنار دریاچه‌ی طبریه (در شمال فلسطین) و یا در ناحیه‌ی ورودی قدس به قتل می‌رسانند. در روایتی آمده است:

یکی از فرماندهان سپاه مهدی (عج) به‌نام صباح خود را به سفیانی رسانده، او را دستگیر می‌کند و هنگام نماز عشاء او را نزد مهدی (عج) می‌آورد، حضرت درباره او با یاران خود به مشورت می‌پردازد و آنان قتل او را به مصلحت می‌دانند، آنگاه او را در زیر سایه‌ی درختی که شاخه‌هایش آویخته است، مانند گوسفندی سر می‌برند.^۱

ب) صیحه آسمانی

منظور از صیحه آسمانی، ندایی است که از آسمان شنیده می‌شود؛ بنابر احادیث، محتوای این صیحه آسمانی بشارت به ظهور امام مهدی (عج)، بیان نام حضرت مهدی (عج) و حقانیت شیعه است. این ندا از طرف جبریل (ع) در سحرگاه ۲۳ رمضان ایجاد می‌شود. امام باقر (ع) فرمود:

ندا دهنده‌ای از آسمان به نام قائم (عج) ندا می‌دهد و هرکس در شرق و غرب است، آن را می‌شنود.^۲

در ندای آسمانی از حقانیت علی (ع) و رستگاری شیعیان او نیز سخن می‌آید. همچنین در صیحه آسمانی، پایان یافتن حکومت زورگویان و روی کار آمدن بهترین فرد از امت پیامبر خبر داده می‌شود و مردم برای ملحق شدن به حضرت مهدی (عج) در مکه دعوت می‌شوند. در روایات برای ندای آسمانی ویژگی‌هایی ذکر شده است؛ از جمله اینکه همه مردم آن را به زبان خودشان می‌شنوند و پس از آن نام حضرت بر سر زبان‌ها می‌افتد، از نزدیک و دور

^۱ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۰۴

^۲ نعمانی، الغیبة، ص ۱۸۱

یکسان شنیده می‌شود، انسان‌های خواب را بیدار کرده و همه را به وحشت می‌اندازد و برای مومنان رحمت و برای کافران عذاب است.

در برخی از احادیث آمده است که شیطان در پایان همان روز، با هدف ایجاد تردید در پیروی از امام مهدی (عج) ندایی سر می‌دهد و با این ندا گروهی دچار شک می‌شوند. امام صادق (ع) فرمود:

ندای جبریل، از آسمان و ندای ابلیس، از زمین است.^۱

ج) قیام یمانی

قیام یمانی به قیام مردی از اهالی یمن اشاره دارد که پیش از ظهور امام مهدی (عج) رخ می‌دهد، وی مردم را به سوی امام مهدی (عج) دعوت می‌کند. بنابر روایات، قیام یمانی همزمان با خروج سفیانی خواهد بود. از اقدامات وی دعوت به حق و درگیری با سفیانی می‌باشد. امام صادق (ع) فرمودند:

در میان پرچم‌ها، هدایت‌گستر از پرچم یمانی وجود ندارد، چون پرچم حق است و شما را به سوی صاحب‌تان دعوت می‌کند.^۲

ایشان در حدیث دیگری فرمودند:

خروج خراسانی و سفیانی و یمانی هر سه در یک سال و یک ماه و یک روز است، اما هیچ پرچمی هدایت‌گستر از پرچم یمانی نیست، آری مردم را دعوت به حق می‌کند.^۳

^۱ کمال‌الدین و تمام النعمه، ص ۶۵۲، ح ۱۳

^۲ بشاره الاسلام، ص ۹۳ به نقل از کتاب: الغیبه نعمانی

^۳ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰

(د) خسف بیداء

خسف بیداء به فرو رفتن لشکر سفیانی در مکانی به نام بیداء (مکانی میان مکه و مدینه) اشاره دارد که برای جنگ با امام زمان (عج) عازم مکه می‌شوند. بر طبق روایتی از امام باقر (ع)، سفیانی گروهی را به مدینه روانه می‌کند و مهدی از آنجا به مکه می‌رود. خبر به فرمانده سپاه سفیانی می‌رسد و لشکری را به تعقیب امام مهدی (عج) می‌فرستد؛ هنگامی که سپاه سفیانی وارد سرزمین بیداء می‌شوند، ندایی از آسمان بلند می‌شود و می‌گوید: «ای دشت، آن قوم را نابود ساز». در این هنگام، زمین لشکر سفیانی را در خود فرو می‌برد و همگی به جز چند نفر از بین می‌روند.^۱ دو نفر از لشکر سفیانی پس از این حادثه زنده می‌مانند. یکی به سوی امام مهدی (عج) رفته و در مکه خبر نابودی لشکریان سفیانی را به ایشان می‌دهد و دیگری به سوی سفیانی می‌رود تا خبر از بین رفتن لشکر را به او برساند.^۲

(ه) شهادت نفس زکیه

مطابق روایات، حضرت مهدی (عج) در بیست و چهارم یا بیست و سوم ذی الحجه یعنی پانزده شب پیش از ظهور، جوانی از یاران خود را جهت ایراد بیانی‌های خود به سوی اهل مکه اعزام می‌کند، اما طولی نمی‌کشد، بعد از نماز در حالی که پیام حضرت مهدی (عج) و یا فرازهایی از آن را برای مردم می‌خواند، دشمنان به او حمله‌ور شده و به طرز وحشیانه‌ای وی را در داخل مسجد الحرام بین رکن و مقام به قتل می‌رسانند و این شهادت فجیع در آسمان و زمین اثر می‌گذارد.

خبرهای مربوط به شهادت این جوان نیک سرشت در مکه، در منابع شیعه و سنی به‌طور متعدد آمده است و برخی روایات نام وی را محمد بن حسن ذکر کرده‌اند. از امیرمومنان حضرت علی (ع) روایت شده است که فرمودند:

^۱ الغیبه نعمانی، ص ۲۸۰، ح ۶۷

^۲ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰

آیا نمی‌خواهید شما را خبر دهم از آخرین فرمانروای حکومت خاندان فلان؟ عرض کردیم: آری ای امیرمومنان! فرمود: کشته شدن نفس بی‌گناه در روز حرام و شهر حرام به دست گروهی از قریش، سوگند به خدایی که دانه را شکافت و بشر را آفرید، بعد از این واقعه به جز پانزده شب، حکومتی برای آنان باقی نمی‌ماند. پرسیدم: آیا پیش از این حادثه یا بعد از آن اتفاقی رخ می‌دهد؟ فرمود: در ماه رمضان صبحه‌ی آسمانی که شخص بیدار را به وحشت و ترس می‌افکند و خوابیده را بیدار می‌سازد و دختران را از پشت پرده بیرون می‌آورد.^۱

۴- ۲۹ بررسی نشانه‌های غیر حتمی ظهور

الف) سید حسنی

یکی از نشانه‌های غیر حتمی ظهور، خروج سید حسنی با یارانش برای یاری آن حضرت است که از سرزمین دیلم (از بلاد گیلان) و قزوین قیام می‌نماید و با صدای بلند فریاد می‌زند که به فریاد آل محمد (ص) برسید که از شما یاری می‌طلبید، او دعوی باطل ندارد و مردم را به نفس خود دعوت نمی‌کند و از شیعیان مخلص و تابع دین حق است. در زمان او کفر و ظلم عالم را فرا گرفته است و مردم از دست ستمگران در اذیت و آزار به سر می‌برند، در چنین شرایطی سید حسنی برای نصرت دین استغاثه می‌کند، پس مردم او را اجابت می‌نمایند، خصوصاً گنج‌های طالقان که از طلا و نقره نیستند، بلکه مردان شجاع و قوی‌دل که بر سواری‌ها سوارند، در اطراف او جمع می‌شوند، او مانند سلطان عادل با آنها رفتار خواهد کرد و به تدریج بر اهل ظلم و طغیان غالب می‌آیند و از دیلم تا کوفه را از لوٹ وجود ستمگران و کافران پاک می‌کنند. سید حسنی هنگامی که با اصحاب خود وارد کوفه می‌شود به او خبر می‌دهند که حضرت مهدی (عج) ظهور کرده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است، پس سید حسنی با

^۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴

اصحاب خود به محضر آن حضرت مشرف می‌شوند و او از آن حضرت مطالبه‌ی دلایل امامت و موارث انبیاء را می‌نماید. امام صادق(ع) می‌فرماید:

به خدا سوگند که آن جوان، آن حضرت را می‌شناسد و می‌داند که او بر حق است، لکن مقصودش این است که حقیقت را بر مردم و اصحاب ظاهر کند، پس آن حضرت دلایل امامت و موارث انبیاء را برای او ظاهر نماید و معجزاتی از او صادر شود، در آن هنگام سید حسنی و اصحابش با آن حضرت بیعت خواهند کرد ...^۱

ب) قیام خراسانی و شعیب بن صالح

قیام خراسانی به قیام فردی از اهالی خراسان اشاره دارد که همزمان با خروج سفیانی و قیام یمانی رخ می‌دهد. برخی وی را صاحب پرچم‌های سیاه دانسته‌اند که سپاه او به فرماندهی شعیب بن صالح، سفیانی را شکست می‌دهد. در روایات میان سید بودن او اختلاف است، با این حال در منابع اهل سنت و نیز منابع متأخر شیعه، خراسانی از نسل امام حسن(ع) یا امام حسین(ع) دانسته شده و با عنوان خراسانی هاشمی از او یاد شده است.

در این منابع خصوصیات دیگری از او، مانند اینکه در گونه راست یا دست راستش خالی وجود دارد نیز بیان شده است.^۲ بر طبق روایات، شعیب بن صالح جوانی است گندم‌گون و لاغر، دارای محاسنی کم‌پشت، صاحب بصیرت و یقین و اراده‌ای خلل‌ناپذیر و از جنگاوران ممتاز می‌باشد؛ برخی از روایات او را اهل سمرقند و برخی دیگر نیز از اهل ری می‌دانند. امیرالمومنین(ع) فرمود:

در این موقع سفیانی از کوفه قصد حمله به خراسان را دارد و مردم خراسان در طلب حضرت مهدی(عج) به حرکت در می‌آیند و با سید هاشمی ملاقات می‌کنند در حالی که

۱ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۱ و ج ۵۳ ص ۱۵

۲ کورانی، عصر الظهور، ص ۲۴۲

پرچم‌های سیاه در اهتزاز است، پیشاپیش سپاه شعیب بن صالح قرار گرفته و در جایی به نام اصطخر نبرد شدیدی در می‌گیرد که لشکریان سفیانی از بین می‌روند.^۱

امام باقر(ع) فرمود:

پرچم‌های سیاهی که از خراسان خروج می‌کنند؛ به سوی کوفه فرود می‌آیند و با ظاهر شدن حضرت مهدی(عج) برای تجدید بیعت به حضور ایشان می‌رسند.^۲

ج) خروج دجال

از جمله نشانه‌های غیرحتمی ظهور، خروج دجال است، دجال در لغت به معنی کذاب است و در کتاب‌های انگلیسی آن را «آنتی کریست» که به معنی «ضد مسیح» است نامیده‌اند. سخن از دجال در هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام مطرح شده است. در ارتباط با بحث دجال دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه اول آن است که دجال یک شخص است و در آخرالزمان با خروج خود موجب فریفتن بسیاری از مردم می‌شود. دیدگاه دوم یک دیدگاه نمادگرا می‌باشد و اظهار می‌دارد که دجال یک شخص خاص نیست، بلکه عنوانی است که به هر فرد یا جریان حيله‌گر و فریبکار اطلاق می‌شود. پیامبر(ص) در حدیثی می‌فرماید:

هر پیامبری بعد از نوح، قوم خود را از فتنه دجال بر حذر داشت. من نیز شما را بر حذر می‌دارم.^۳

امیرالمومنین(ع) از پیامبر اکرم(ص) روایتی را نقل کرده که به شرح اعمال باطل دجال می‌پردازد:

^۱ الحاوی للفتاوی، ص ۳۷۲

^۲ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۷۴

^۳ صحیح ترمذی ص ۴۲

او ادعای خدایی می‌کند و هفتاد هزار نفر یهود، زنازاده و برخی از عرب‌ها و زن‌ها به او می‌گروند، از جمله کارهای او آزاد کردن زنا و همجنس‌بازی به طور علنی است، همین‌طور یارانش انواع و اقسام زشتی‌ها را انجام می‌دهند، او بسیاری از مناطق زمین را تسخیر می‌کند، گرچه به مکه و مدینه و حرم امامان دسترسی نخواهد یافت و پس از آنکه در طغیان و سرکشی افراط کرد و زمین از ستم او و یارانش لبریز شد، کسی که حضرت عیسی (ع) پشت سرش نماز می‌خواند (مهدی) او را خواهد کشت.^۱

رسول خدا (ص) درباره‌ی کشته شدن دجال فرمودند:

میان او (دجال) و لشکر قائم (عج) جنگ واقع می‌شود و بالاخره آن ملعون به دست مبارک حضرت حجت (عج) یا به دست عیسی بن مریم کشته می‌شود.^۲

د) سایر نشانه‌های غیر حتمی ظهور

به جز موارد ذکر شده، سایر نشانه‌های غیر حتمی ظهور بسیار هستند که در هر کدام از آنها امکان بدا وجود دارد، برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. خراب شدن دیوار مسجد کوفه
۲. طلوع ستاره درخشان در سمت مشرق که همانند ماه می‌درخشد
۳. ظاهر شدن قحطی شدید قبل از ظهور آن حضرت
۴. ظاهر شدن سرخی شدید که در اطراف آسمان پهن می‌شود و همه آسمان را می‌گیرد
۵. کسوف خورشید در نیمه ماه رمضان و خسوف در اول یا آخر همان ماه
۶. زمین‌لرزه شدید در بغداد

^۱ منتخب الاثر ص ۴۸۰

^۲ منتهی الامال، ج ۲، ص ۳۳۶

منابع و مراجع

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اعتصامی، محمد مهدی؛ دلبری، سید محمد؛ شکرانی، یاسین؛ دین و زندگی (۲) قرآن و تعلیمات دینی - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران چاپ هفتم ۱۴۰۲
۳. پناهی آزاد، حسن، اندیشه اسلامی ۲، دفتر نشر معارف، چاپ سوم، سال ۱۴۰۱
۴. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه
۵. شیخ طوسی، الغیبه
۶. علامه مجلسی، بحارالانوار
۷. مَهری، محمد جواد، گلبرگ‌های مهدوی، انتشارات مشرقین، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۳
۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه

مقالات پژوهشی

۱. آصف آگاه، سید حسن، موعود و آخرالزمان در دین زرتشتی، نشریه مشرق موعود، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۶
۲. آقای، سید مجتبی، بازخوانی مفهوم موعود در دین زرتشتی، نشریه هفت آسمان، شماره هفتم، سال ۱۳۷۹
۳. بداشتی، علی‌الله، نقش مهدویت در معناداری زندگی شیعیان، نشریه مشرق موعود، سال ششم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۱
۴. عرب، مهین، منجی موعود در ادیان بزرگ قبل از اسلام، مجله علمی - پژوهشی الهیات تطبیقی، سال پنجم، شماره یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳
۵. قاسمی قمی، جواد، ماشیح؛ منجی یهود به روایت تلمود، نشریه مشرق موعود، سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۸۷

۶. قاسمی قمی، جواد، مبانی آموزه بازگشت مسیح در کتاب مقدس، نشریه مشرق موعود،

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۸۸

۷. محبتی مقدم، امید، منجی جهان و عصر ظهور از دیدگاه آیین یهود، فصل نامه علمی

ترویجی - پژوهش های مهدوی، سال پنجم، شماره ۲۰، بهار ۱۳۹۶

Savior And Religions

Author: Mohammad Navid Rahmati Zadeh Zagheli